



انترناسیونال ۳۶۸

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

جمعه ۹ مهر ۱۳۸۹، ۱ اکتبر ۲۰۱۰

سردبیر: کاظم نیکخواه Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com جمعه ها منتشر میشود

احمدی نژاد در نیویورک و موقعیت جمهوری اسلامی



کاظم نیکخواه

برای جمهوری اسلامی همین که هنوز یکی از سرانش میتواند به خارج سفر کند یک موفقیت حساب میشود. برای رسانه های بین المللی هم مصاحبه با کسی مثل احمدی نژاد مثل نمایش یک حیوان عجیب الخلقه سرگرم کننده است. و احمدی نژاد برآستی این نقش دایناسور عجیب الخلقه را بخوبی ایفا کرد. او با سخنانی خارج از متن، با ادعاهایی مضحک و غیر منظره خلیلی ها را خندانند و سرگرم کرد. او گفت در ایران حکم سنگسار وجود ندارد و سکینه محمدی به سنگسار محکوم نشده است. و این را با قاطعیت و اعتماد بنفس گفت. و بعد هم که سخنگوی قوه قضائیه اش آنرا تکذیب کرد بر حکم سنگسار تاکید نمود، بروی خود نیاورد. او گفت در ایران همه آزادند و هرکس هرچه میخواهد میگوید و دولت به افراد کاری ندارد. او گفت انتخابات در ایران از همه جای دنیا عادلانه تر و دقیق تر است. او گفت دولت آمریکا هواپیماهایش را به برجهای دو قلو کویبید و هزاران نفر را کشتار کرد. و او حرفهای بسیاری براین روال زد و میلیونها نفر را سرگرم کرد. همه کس فهمید که مردم ایران با چه موجوداتی طرفه طرفند. احمدی نژاد و هیئت همراهش نیز دیدند که از یک سال قبل تا کنون چقدر دنیا عوض شده است. هرکجا که رفتند سایه جنبش علیه سنگسار و اعدام و شیخ سکینه آنها را تعقیب میکرد. بحدی که جناب رئیس جمهور در یک مصاحبه با حدی از عصبانیت گفت این جنجال را یک نفر در آلمان ایجاد کرده. که منظورش مینا احدی بود.

صفحه ۲

دزدی عظیم ۵۰ هزار میلیاردی و فقر عمیق مردم

شهلا دانشفر

وامهای کلان سخن گفت. در این خبر دزدی از اسامی گیرندگان این وامها نشده است. اما برای همگان روشن است که اینها چه کسانی هستند. اینها کسانی جز وابستگان این حکومت و آقازاده ها نیستند. این اولین بار نیست که اسنادی از دزدی های کلان

حسن الله وردی نژاد دبیر کل حزب اسلامی رفاه در گفت و گو با ایلنا از اعطای ۵۰ هزار میلیارد تومان وام بانکی به حدود ۱۰۰ نفر از خواص خبر داد و در این خبر از جعل اسناد و وثیقه های جعلی در قبال دریافت این

صفحه ۲

کهریزک و تکرار قتل‌های زنجیره ای

هادی وقفی

قتل رسید. ۲۴ ساعت قبل از آن عبدالرضا سودبخش پزشک متخصصی که قربانیان کهریزک را معاینه میکرده به قتل رسید. مقامات و دست اندرکاران جمهوری اسلامی فوراً انگیزه

چهارشنبه هفته گذشته غلامرضا سربابی پزشک متخصص قلب و عروق و استاد دانشگاه تهران جلوی مطبش به ضرب گلوله دو نفر مهاجم به

صفحه ۳

جنگ امروز جناحها بر سر جنگ دیروز ایران و عراق

محمد شکوهی

عراق. در هفته های اخیر سران، مقامات حکومتی و خارج حکومت به بهانه سالگرد پایان

این روزها همه چیز در حکومت موضوع جنگ و کشاکش است حتی جنگ ایران و

صفحه ۱۲

بازتاب هفته

جنگی خونبار علیه مردم ایران و عراق

یاشار سهندی

تذکر ۱۷۰ نفر از نمایندگان مجلس اسلامی

به احمدی نژاد

بهرروز مهر آبادی

جنایت زیبا!!

هوشیار سروش

پنبه، تحریم و یارانه، غلام اکبری

صفحات ۵-۴

از زمان پرواز هواپیمای احمدی نژاد به نیویورک تا امروز حداقل ۹ نفر در ایران اعدام شدند!



مینا احدی

تیر خلاص زنی که به ریاست جمهوری رسیده، ادعا میکند آزارش به مورچه نمیرسد!

به خون مردم آلوده است، با مزاح و ساده انگاری به توجیه جنایات حکومتش میپردازد و به عنوان "رییس جمهور" از او سوال میکنند و اجازه سخنرانی به وی میدهند.

احمدی نژاد و حضورش در رسانه های امریکایی و در نشست های سازمان ملل، بیش از اینکه یک کمدی باشد، یک واقعه تراژیک و خشم آور است. دیکتاتور کوچکی که دستهایش

این دنیا وارونه است و باید پاسخی

صفحه ۱۰

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

صفحه ۷

جدال کارگران در برابر دولتهای اروپایی گسترش می یابد

صفحه ۸، بهروز مهرآبادی

حضور فاشیست ها در پارلمان سوئد ...

بهرروز مهرآبادی، صفحه ۶

گزارشی از اعتصاب ۳ ساله معدن چیان مکزیک

احمد فاطمی، صفحه ۶

صفحات دیگر

۳۵۰۰ کارگر لاستیک بارز دست به اعتصاب سه روزه زدند

صفحه ۹

اطلاعیه شماره ۷۶: سجاد از شهرداریهای دنیا برای نجات

مادرش کمک خواست، صفحه ۱۰

سجاد از بانکی مون خواست که برای آزادی مادرش و ریشه کن

کردن سنگسار تلاش کند، صفحه ۱۰

خطر اعدام همچنان بالای سر سکینه است، صفحه ۱۰

کارگران شرکت کرپ ناز کرمانشاه، مجدداً تجمع کردند، صفحه ۹

تجمع اعتراضی کارگران خاور رشت، صفحه ۹

کارگران روغن نباتی قو دست اعتصاب زدند، صفحه ۸

علیه اعدام و سنگسار در نمایشگاه بین المللی کتاب گوتنبرگ

صفحه ۸

دزدی عظیم ۵۰ میلیاردی و ...

از صفحه ۱



و مقامات کشور در ۱۹ بانک جهانی به بیرون درز کرد. اکنون اعطای ۵۰ هزار میلیارد تومان به صد نفر افراد معلوم الحال، يك فقره دیگر از همین دزدی های زنجیره ای عظیم و کلان در این حکومت فاسد و دزد است. اعطای ۵۰ هزار میلیارد تومان (۵۰ میلیارد دلار) وام به صد نفر، یعنی بذل و بخشش درون جناح حاکم و پرداخت ۵۰۰ میلیون دلار به هر کدام از این صد نفر بنا به این گزارش در همین چند ماه اخیر صورت گرفته است. نکته جالب اینجاست که حاکمان دزد اسلامی، دو سال است بر سر طرح یارانه هایشان بر سر و کول هم میزنند و يك قلم مهم محاسباتشان زدن صد میلیون دلار در آمد از محل اجرای این طرح طی سه سال است. طرحشان حذف همین یارانه ای است که به برخی کالاها صورت میگرفت و رها کردن قیمت

مقامات این حکومت و حواریونش برملا میشود. دزدی های این جانیان میلیاردی است و گوشه ای از ابعادش را قبلا پالیزدار که خود از دست اندرکاران این حکومت بود و دستی در دزدی ها داشت، در دعواهایشان رو کرد. لیستی از دزدی های آیت الله های میلیاردی، از خانواده رفسنجانی گرفته تا محمد یزدی و امامی کاشانی، علی فلاحیان، محسن رفیق دوست، ناطق نوری، عسکر اولادی، واعظ طبسی، خزعلی، مکارم شیرازی، حاتری شیرازی، شاهرودی، همه و همه را در بر میگرفت. بعد از آن جناب بر سر پولهای میلیاردی مفقود شده از خزانه دولت بالاگرفت. سپس خبر خروج ۱۸/۵ میلیارد دلار پول و طلا به مقصد ترکیه به خبر داغی تبدیل شد. بعد نیز خبر پولشویی سپاه پاسداران در بحرین بر ملا گردید. در جریان همین دعوا ها و سند رو کردها، گزارشی از حسابهای میلیاردی ۶۷ تن از سران

ها بدست بازار و چپاول و خانه خرابی مردم است. طرحی که از آن تحت عنوان وارد کردن شوک مصرفی بر جامعه سخن میگویند. اکنون براحتمی نیمی از این صد میلیون دلار یعنی، ۵۰ میلیون دلار را در عرض چند ماه به صورت وام به صد نفر از خودی هایشان اعطا کرده اند. رقمی حیرت آور که با آن میتوان تمام دستمزدهای پرداخت نشده تمام کارگران را پرداخت. از جمله با يك محاسبه ساده میتوان با ۵۰ هزار میلیارد تومان را میان ده میلیون کارگر تقسیم کرد و به هر کدام ۵ میلیون تومان پرداخت. ابعاد جنایتکارانه این طرح وقتی بیشتر بر ملا میشود که باز به گفته های خودشان بر سر سطح دستمزدها باز میگردیم. بنا بر گزارشی منتشر شده از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی، هزینه متوسط برخی اقلام ضروری (لبنیات، تخم مرغ، برنج، حبوبات، میوه و سبزی تازه، گوشت قرمز و مرغ، قند، شکر چای و روغن نباتی) در همین مهر ماه به يك میلیون و دویست و پنجاه و پنج هزار افزایش یافته است و تنها هزینه

خوراک ماهانه ۵۰۰ هزار تومان است. این درحالیست که میزان حداقل دستمزدها ۳۰۳ هزار تومان است. آنهم اگر همین مبلغ را بموقع پرداخت کنند. همین گزارش میگوید: " هر ایرانی برای رفع گرسنگی ماهانه خود باید میلیگی در حدود ۹۶ هزار تومان هزینه کند که به صورت تقریبی معادل ثلث حداقل حقوق يك کارگر ساده است. " بدین ترتیب يك خانواده ۴ نفره برای صرفا رفع گرسنگی باید در ماه ۴۰۰ هزار تومان هزینه کند. و این تنها هزینه خوراک است و مسکن که يك قلم کمر شکن هزینه هاست در آن منظور نشده است و هزینه های دیگر حتی مسکن و درمان و امثال آنرا در بر نمیگیرد. یعنی يك خانواده چهار نفره تنها برای خوراک خود بیش از حداقل دستمزدی که میگیرند نیاز دارد. و تازه این با محاسبه خود نهادهای حکومتی است که اقلام هزینه ها را بسیار پایین تر از نیاز واقعی افراد محاسبه میکنند. در چنین شرایطی است که جانیان حکومت اسلامی سرمایه داران، از يك سو تهاجمی چنین جنایتکارانه را در دستور

آورد. و این فضایی است که يك سال پیش حمید تقوایی آنرا تحت عنوان جالب "سرنگون کردن جمهوری اسلامی در خارج کشور" طرح کرد. واقعیت اینست که ما در میانه يك چرخش و تحول بین المللی به نفع خواستهای مردم ایران هستیم و این خود بر آینده تحولات در ایران تاثیرات شگرف و مهمی خواهد داشت. از هم اکنون میتوان به عینه دید که تحول و انقلاب در ایران، همراهی و سیمپاتی مردم جهان را با خود دارد. و بر این مردم تاثیرات خود را خواهد گذاشت و این نیروی بین المللی هم بر این انقلاب تاثیرات خود را خواهد بخشید. انزوای گسترده و بی سابقه جمهوری اسلامی در سطح بین المللی و مضحکه شدن سران و دست اندرکارانش، بیش از پیش گسترش خواهد یافت. يك تاثیر فوری این فضای بین المللی علیه جمهوری اسلامی، بالا گرفتن و تشدید نزاعهای درونی حکومت خواهد بود که هم اکنون نیز بازتابهای آنرا روشنی در سخنان برخی دست اندرکاران حکومت علیه یکدیگر میتوان دید. و تاثیر مهم دیگر آن

باشد انعکاسی از همین موقعیت بسیار منزوی جمهوری اسلامی در سطح بین المللی است. حتی موارد متعددی از شرکت مقامات رسمی کشورها در تظاهراتهای ضد جمهوری اسلامی را در ماههای اخیر شاهد بوده ایم. هنرمندان مشهوری مثل پینک فلوید عکس سکنه را به صحنه آوردند و برای آزادی مردم ایران ترانه سرودند و سخن گفتند. اتحادیه های کارگری جلسات همبستگی با کارگران ایران و مردم ایران برگزار میکنند و با قطعنامه و نامه های اعتراضی مینویسند. مقامات اتحادیه اروپا به سکنه نامه مینویسند و اعلام میکنند که او را تنها نخواهند گذاشت. اینها و موارد بسیاری از این دست که اینجا قصد برشمردن همه آنها را ندارم انعکاس تفکر و تلقی دهها میلیون نفر مردم جهان نسبت جنبش اعتراض و انقلابی در ایران است که در عکس العمل دیپلماتها نیز خود را بیان میکند. اهمیت این رویدادها را باید دید. این فضایی است که با شروع فضای ضد جنگ ویتنام در دهه هفتاد قابل مقایسه است. این فضایی است که در ادامه خود میتواند جنبشهای بسیار عظیمی را در حمایت از مردم ایران به حرکت در

از صفحه ۱

احمدی نژاد در نیویورک و ...

جنوبی بدرجه ای قابل مقایسه است. این روزها که مساله انتخابات در برزیل در جریان است در خیرها آمده بود که يك موضوع داغ انتخاباتی مساله سکنه است. و دولت برزیل و نه فقط شخص لولا اعلام کرده است که با وجود جواب منفی از جانب حکومت اسلامی برای دادن پناهندگی به سکنه در برزیل، همچنان این مساله را دنبال میکنند. وزیر امور خارجه برزیل گفته بود که این تلاش ما جنبه تبلیغاتی ندارد بلکه چون مطمئنیم که تلاش ما میتواند سکنه را نجات دهد آنرا دنبال میکنیم. جنبش نجات سکنه و ضد سنگسار تلقی بین المللی نسبت به جمهوری اسلامی را بجایی برده است که این حکومت تا تحریم و بایکوت شدن فاصله چندانی ندارد و میتوان کاملا امیدوار بود که با کمی پیشرفت بیشتر در این زمینه دولتها مجبور شوند روابط دیپلماتیک خود را با این حکومت قطع کنند. این البته به خیزش های مجدد در داخل ایران پیوند ناگسستنی دارد. انتقادات تند کشورهای اروپایی به جمهوری اسلامی هر دليل داخلی که داشته

در مورد سفر احمدی نژاد زیاد گفته شده است. نکته ای که من اینجا میخواهم بگویم اینست که جنبش اخیر علیه سنگسار سکنه و کلا علیه مجازات شیع سنگسار، يك حرکت و يك مبارزه که جریان یافته و پایان خواهد یافت نیست. حتی این حرکت تنها مجازات سنگسار را عقب نخواهد راند. این جنبش موقعیت جمهوری اسلامی را در سطح بین المللی به جایی غیر قابل بازگشت رانده است. هیچ حزب و دولتی در جوامعی دموکراتیک که باید پاسخگوی مردم بود و انتخاباتی جریان می یابد و رای مردم مهم است، امروز دیگر به صلاح خود نمی بیند که ذره ای همراه و حامی این حکومت شناخته شود. حتی حامیان این حکومت و دولتهایی نظیر ترکیه و برزیل ناچارند کمی مخفیانه تر مناسبات خود را با این حکومت پیش ببرند و انتقاداتی را در مورد نفی حقوق مردم در سطحی علنی طرح کنند تا مورد اعتراض مردمشان قرار نگیرند. این موقعیت منحصر بفردی است که تنها با حکومت آپارتاید نژادی آفریقای

**یک دنیای بهتر برنامه حزب را بخوانید
و در سطح وسیع توزیع کنید**

کهریزک و تکرار قتل‌های زنجیره‌ای ... از صفحه ۱

این قتل‌ها را شخصی اعلام کردند. در عین حال اعلام کردند که هنوز سرخی از قاتلان بدست نیآورده اند! معلوم نیست انگیزه قاتلانی که هنوز شناخته شده نیستند از کجا برای حکومت محرز گردیده است. شواهد زیادی وجود دارد که قتل این دو پزشک را اولاً سیاسی نشان میدهد و ثانیاً بطور مشخص در مورد دکتر سودبخش روشن میکند که اطلاعات او از جنایات کهریزک انگیزه قتل او توسط حکومت بوده است. ترور دکتر سربانی نیز بنا به برخی از گزارشها در ارتباط با اطلاعات او از دست اندرکاران حکومت بوده است. برخی گزارشها قتل او را نیز در رابطه با اطلاعاتش از شکنجه گاههای حکومت میدانند. حتی نهادهای نزدیک به حکومت شخصی بودن این قتل‌ها را باور نکردند. انجمن اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تهران با صدور بیانیه‌ای، اعلامیه فوری پلیس دایر بری ارتباط بودن قتل‌ها و وجود انگیزه شخصی را مایه نگرانی دانست و پرسید: «آیا نگران کننده نیست که دو تن از بزرگان جامعه پزشکی، در پایتخت و نه در مناطق دورافتاده و همچنین در پرفت و آمدترین ساعات به ضرب گلوله کشته شوند و ما براحتمی با

توجیه شخصی بودن این جنایات از کنار آن بگذریم؟» این بیانیه در پایان خود خواستار پیگیری هرچه سریعتر موضوع و «دستگیری غیرفرمایشی عوامل اصلی» شده بود. بسیاری از مخالفان حکومت همچنین مرگ «رامین پوراندزجانی» را یادآوری می‌کنند که او هم پزشک بازداشتگاه کهریزک بود و ماهها پیش در خوابگاه محل کارش بطرز مرموزی جان سپرده بود. مقامات دلیل مرگ او را خودکشی اعلام کردند. نظری که هیچگاه مورد قبول خانواده و نزدیکان رامین و مردم قرار نگرفت و برعکس، یکی از دوستان نزدیک او خبر داد که رامین پوراندزجانی چندین بار به سبب آگاهی از برخی شکنجه‌ها و تجاوزها در بازداشتگاه کهریزک از سوی مقامات امنیتی احضار و تهدید شده بود. خبرگزاری «رهانا» با انتشار گزارش مفصلی در سایت خود به جنبه‌های دیگری از جریان ترور و کشته شدن دکتر عبدالرضا سودبخش پرداخته و ابعاد دیگری از جنایات و آدمکشی‌های جمهوری اسلامی را در این زمینه افشا کرده است. این خبرگزاری در گزارش خود می‌نویسد: «دکتر سودبخش از پرونده پزشکی کلیه شهدای بازداشتگاه کهریزک مطلع

بوده است. بعلاوه وی پزشک متخصصی بوده است که تمامی زندانیان کهریزک و اوین که مورد آزار جنسی قرار گرفته بودند را معاینه کرده و دارای اطلاعات خاصی در این زمینه بوده است. سودبخش که اخیراً از فشارهای فزاینده نیروهای امنیتی احساس می‌کرد جاننش در خطر است، چند روز قبل از ترور، خانواده خود را به خارج از کشور فرستاده بود و خود نیز بلیط عزیمت به خارج را برای روز سی و یکم شهریور در دست داشت که کمتر از یک روز قبل از خروج از کشور، در مقابل مطبش در بلوار کشاورز تهران، با گلوله ترور و در دم کشته شد». گزارش این خبرگزاری می‌افزاید: «دکتر عبدالرضا سودبخش از پزشکان مرتبط با بازداشتگاه کهریزک و زندانیانی بوده است که از بیماریهای عفونی در مجاری ادراری و تناسلی آسیب دیده بودند و مقامات امنیتی به وی دستور داده بودند که بیماری کلیه زندانیانی که به وی مراجعه کرده بودند را، رسماً مننژیت اعلام کند». و در خاتمه می‌آورد: «اکنون دو پزشک اصلی که زندانیان کهریزک را معاینه کرده بودند، کشته شده‌اند اما هنوز از حکم قطعی متهمان این بازداشتگاه مخوف خبری نیست و ترور دکتر سودبخش نشان می‌دهد که آمران اصلی کهریزک هنوز آزاد و

فعال هستند.»

کهریزک فقط یکی از بازداشتگاههایی است که رژیم جان بسیاری را در آنها گرفته و بسیاری را به وحشیانه‌ترین شکلها مورد تجاوز و شکنجه قرار داده است. این ترورها در شرایطی انجام می‌گیرند که رژیم اسلامی از سوی دیگر، زیر فشار افکار عمومی و خانواده جانباختگان کهریزک مجبور به برگزاری دادگاههای فرمایشی باصطلاح برای مجازات عاملان کشتارهای کهریزک شده و در این مسیر هم وحشیگریهای بی حد و حصری را مرتکب شده است. به تهدید و ارباب خانواده کشته شده‌ها پرداخته، از حضور شاهدین، متهمین و قاتلان اصلی (و نمایندگان مستقیم خامنه‌ای در سرکوب و کشتار مردم) مثل سعید مرتضوی - و قضات دیگری که در این پرونده نقش داشته‌اند - در دادگاه خودداری کرده و بخیال خود اجازه نداده است ابعاد کثیف جنایاتش افشا گردد. رسوایی و بی‌آبرویی این رژیم و جنایات بی حساب و کتابش برای حفظ قدرت و ثروتهای عظیم و بی حساب و کتاب و باآوردن آن که سی سال است با تحمیل عقب مانده ترین قوانین مذهبی به مردم بالا کشیده‌اند، مدتهاست نقل محافل تمام عالم است و مردم دنیا می‌دانند که هر نوع جنایت کثیفی از این

اعتراض دانشجویان دانشگاه آزاد رشت به حجاب اسلامی

روز شنبه سوم مهرماه دانشگاه آزاد رشت شاهد درگیری میان دانشجویان و مزدوران حراست و نیروهای انتظامی بود. هنگامی که دانشجویان در اولین روزهای سال تحصیلی جدید می‌خواستند وارد دانشگاه آزاد رشت بشوند با ممانعت ماموران انتظامات و حراست مواجه شدند که به بهانه بدحجابی دانشجویان مانع ورود دانشجویان دختر و پسری که قوانین اسلامی را رعایت نکرده بودند شدند. این امر موجب اعتراض شدید دانشجویان قرار گرفت که حراست و انتظامات دانشگاه وحشیانه به دانشجویان حمله ور شدند و آنان را مورد ضرب و شتم قرار دادند. ولی تعداد زیاد دانشجویان و تعرض آنان به حراست و انتظامات دانشگاه باعث شد حراست نتواند مانع ورود دانشجویان به

دانشگاه شود. در نهایت با ناکام ماندن حراست در مقابل دانشجویان نیروی انتظامی به دانشگاه هجوم برد و کنترل ورود و خروج دانشجویان را به عهده گرفت.

آزادی پوشش حق مسلم هر کسی است و حکومت و مزدورانش در دانشگاه‌ها حق تعرض به دانشجویان و جوانان را ندارند. اما هجوم نیروی انتظامی و پراکنده کردن دانشجویان پایان اعتراض و مبارزه برای دانشجویان علیه قوانین ارتجاعی و پوسیده اسلامی نیست. ما برای به دست آوردن آزادی پوشش و بیان و برابری زن و مرد و آزادی زندانی سیاسی و دانشجویان سیاسی و برای داشتن زندگی ای مرفه و امن و انسانی باید مبارزه ای مستمر، منسجم و هدفمند را علیه حکومت ارتجاع و ضد انسان اسلامی به پیش

جوانان و دانشجویان را فرا می‌خواهند در حمایت از دانشجویان دانشگاه آزاد رشت دست به اعتراض بزنند و به هر شکل ممکن حمایت خود را آنان اعلام کنند. مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد حکومت انسانی سازمان جوانان کمونیست ۵ مهر ۸۹، ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۰

بحران‌ها برای عقب زدن مبارزات جوانان برای رهایی از شر حکومت اسلامی است. نباید به حکومت رو به زوال اسلامی چنین فرصتی را بدهیم، مبارزه برای آزادی پوشش و در مقابل قوانین اسلامی در دانشگاه‌ها مستقیماً مبارزه ای برای آزادی جامعه و برای سرنگونی جمهوری اسلامی است.

سازمان جوانان کمونیست همه

کتاب سرمایه (کا پییتال) مارکس

ترجمه جمشید هادیان

برای تهیه کتاب یا این تانن‌ها یا اینل‌ها تماس بگیرید

فرآرتیکا و کتابخانه

تلفن: ۰۱۱-۲۱۹۷۸۳۳۹۶
۰۱۱-۲۱۹۷۸۳۳۹۶

ایمیل: babakyazdi@yahoo.com

آدرس: زری اصلی (غوب کتابخانه) - زنگور: تهران: ۰۱۱-۶۴۷۲۷۸۹۸۶
zarzasi@yahoo.ca

فرآرتیکا

انتشارات نسیم: تهران: ۰۱۱-۲۱۹۷۸۳۳۹۶
ایمیل: nasim_info@yahoo.com

جلیل جلیلی (گلستان): تهران: ۰۱۱-۲۱۹۷۸۳۳۹۶
ایمیل: jallili@yahoo.com

مهن کوندا (آلمان): تهران: ۰۱۱-۲۱۹۷۸۳۳۹۶
ایمیل: mahinkushal@t-online.de

کارل مارکس



سرمایه

(کا پییتال)

جلیل جلیلی

ترجمه جمشید هادیان

سرنگون باد جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

بازتاب هفته

جنگی خونبار علیه مردم ایران و عراق

یاشار سهندی

حاکمین فعلی و سابق حکومت اسلامی سالروز جنگ ایران و عراق را بعنوان یکی از افتخارات این حکومت این روزها گرامی داشتند. جنگ ایران و عراق یک جنایت بزرگ قرن بیست بود. ۳۰ سال پیش در روز ۳۱ شهریور با حمله جنگنده های ارتش عراق جنگی آغاز شد که قربانیان بیشماری از مردم ایران و عراق گرفت و دهها میلیون خانواده را داغدار کرد. اما برای دولتهای هر دو طرف خیر و برکت داشت. دو دولت دیکتاتور و ضد مردمی به بهانه های واهی به جان افتادند در واقع به این بهانه به جان مردم افتادند تا آنها را به تمکین بکشند. جمهوری اسلامی که ماموریت اش سرکوب انقلاب بود به استقبال این جنگ ویرانگر رفت و تا جا داشت آنرا طولانی کرد. این همانگونه که خمینی گفت "برکتی" بود تا انقلاب ۶۷ را سرکوب کند. این حکومت به پاس این "امداد غیبی" هر ساله شروع و نه پایان این جنگ را گرامی میدارد. شروع آن را گرامی میدارد چون به برکت این جنگ سالیان دراز برای خودش عمر خرید اما پایان آن با خوردن "جام زهر" خمینی برای همیشه به کامش تلخ شد. اما در پایان این فصل خونبار تاریخ ایران در سال ۶۷ و برای اینکه مردم فکر نکنند پایان جنگ یعنی پایان عمر این حکومت، به دستور شخص خمینی زندانیان سیاسی را قتل و عام کردند. گرامی داشتن شروع این جنگ بعد از پایان این جنگ شکل نگرفت بلکه از همان دوران جنگ به سنت این رژیم تبدیل شده تا مردم را وادار کند که به دفاع از این حکومت برخیزند. و همه ما شاهد بودیم که به جز مزدوران خود حکومت بخش عظیمی از نیروهایی که به جبهه های جنگ اعزام میشدند به زور بود. از اعزام نوبتی کارکنان دولت و کارگران گرفته، تا بخش های دیگر جامعه که برای اینکه به امکانی دست پیدا کنند باید "سابقه جبهه" میداشتند.

"سریازگیری" در خیابانها تکمیل کننده این پروژه اعزام افراد به کشتارگاهها بود. یک پای تبلیغات کذابی جمهوری اسلامی این بوده که اعزام به جبهه های جنگ امر دواطلبانه بود و اگر نبود "رشادتها و شهادتهای رزمندگان اسلام الان کسی امنیت نداشت!" این امر بخصوص در این ایامی که شروع یک جنگ ویرانگر را یادآور میشوند به پای اصلی تبلیغات جنگی این حکومت تبدیل میشود.

جنگی اما امروز در مرزها در جریان نیست اما جنگی دیگر جریان دارد که یک طرف آن مردم هستند و یک طرف دیگر آن حکومت سفاک اسلامی. جنگی با سابقه سی ساله. این گونه تبلیغات جنگی لازم است و برای همیشه، تا پایان عمر این حکومت، لازم است تا با یادآوری آن جنگ ارتجاعی منت سر مردم بگذارند که مثلا الان به جای خامنه ای صدام حسین سوار کرده ما بود! امسال اما این تنها جمهوری اسلامی نیست که بر این تبلیغات کذابی دامن میزند. بی بی سی و رادیو فردا نیز در همین جهت به گرامی داشت این ایام که شروع دوران نکبت بار و کشتار مردم بی دفاع بود پرداختند. بی بی سی که گوی سبقت را رفته است، در هفته اول مهر به "دستاوردهای جنگ" در زمینه ادبیات و سینما و موسیقی و... پرداخته بود! این رسانه ها به شیرینی "فتح خرمشهر" تاکید میکنند. همه ما بخاطر داریم که جز گله های حزب الله هیچ کس این "فتح" را شیرین نیافت. این دو رسانه برای تحریف آنچه که گذشت تاکید میکنند که نباید جنگ بعد از آن ادامه میافت و اما رژیم جمهوری اسلامی برای تداوم حیات خویش به ادامه این جنگ احتیاج داشت همانطور که به خود این جنگ محتاج بود و هنوز که هنوز است محتاج است هم به جنگی که گذشته و جنگی در آینده. شاید یکی از دعاهای رهبران این حکومت در نماز شب شان این باشد که با نیروی "امداد غیبی" یک بار دیگر تیری از جایی شلیک گردد تا شاید چند صباحی بر عمر نکبت بار

خویش بیفزایند. پافشاری بر ادامه جنگ توسط خمینی و کل سران حکومت دقیقا به این دلیل بود که از فضای جنگی برای تشبیت خود استفاده کنند نه انطور که امثال این رسانه ها میگویند از سر تصمیم یا ارزیابی اشتباه.

جنگ هشت ساله ایران و عراق یکی از جنایات بزرگ قرن بیست بود که میلیونها نفر از کارگران و مردم را در این دو کشور قربانی کرد، مشقات و رنجها و دردهای غیر قابل توصیفی به همراه آورد و زندگی دهها میلیون نفر از مردم را دستخوش تلخی و سیاهی و نکبت ساخت. این جنگ برای هر دو حکومت نعمت بود تا چنگال خونین خود را بر گلو مردم بیشتر بفشارند. جنایات و مشقات این جنگ طولانی و خونین نه فقط به پای جانیان اسلامی حاکم در ایران نوشته شده است، بلکه شاهدی بر ضد انسانی بودن کل طبقه سرمایه دار و جریانان ناسیونالیست و ملی اسلامی است که هنوز نیز تنها چیزی که برایشان مطرح نیست قربانی شدن مردم و میلیونها جوان در این جنایت بزرگ قرن است.*

تذکر ۱۷۰ نفر از نمایندگان مجلس اسلامی

به احمدی نژاد



بهرروز مهر آبادی

روز سه شنبه ۶ مهر ۱۷۰ نفر از نمایندگان مجلس اسلامی به محمود احمدی نژاد رسماً تذکر دادند و به او هشدار دادند. احمدی نژاد قبل از سفر به آمریکا در مصاحبه ای اعلام کرد: "دوره ای که مجلس در راس امور بود، سپری شده است". این بخشی از کشاکش مجلس اسلامی و دولت احمدی نژاد است که هرکدام یکدیگر را به سلب صلاحیت تهدید میکنند. جالب توجه اینست که دو طرف این کشاکش را چهره های اصلی جناح موسوم به جناح اصول گرا تشکیل میدهند. با این سخنان احمدی نژاد خشم اکثریت نمایندگان مجلس برانگیخته شد، بار دیگر

تذکر تندی به رئیس جمهور برگزیده خود دادند، به او گفتند که حکومت با چه مصائبی روبرو است و بیکاری، گرانی، قاچاق و فساد گسترده اقتصادی و اجتماعی را به او گوشزد کردند. مجلسیان پنجه های خود را به احمدی نژاد نشان دادند و تهدید به طرح بحث عدم کفایت رئیس جمهور کردند.

احمدی نژاد قبلاً هم بارها مصوبات مجلس اسلامی را بی ارزش اعلام کرده و عملاً هم این را نشان داده است. قانون مصوبه مجلس درباره دادن اعتبار دو میلیارد دلاری به مترو مدتهاست که توسط احمدی نژاد به سید کاغذ پاره ها ارسال شده است. بسیاری از مصوبات مجلس و شورای نگهبان توسط دولت ابلاغ نشده و رئیس مجلس ناچار شده خود آنها را از طریق روزنامه رسمی ابلاغ کند ولی دولت به عنوان مجری این مصوبات آنها را نپذیرفته است. در این میان خامنه ای ترجیح داده است که عبايش را به سر خود کشیده و به روی مبارک نیاورد. احمدی نژاد به تذکر او در مورد انتخاب نمایندگان ویژه در کشورهای مختلف و موازی کاری با وزارت امور خارجه اعتنائی نکرد و رهبر ترجیح می دهد بیشتر

از این آبروی خود را نبرد. جمهوری اسلامی بعد از عقب راندن دوم خردادیها و طرفدارن هاشمی و موسوی و قبل از اینکه فرصت نفس کشیدن پیدا کند یک بار دیگر از درون جناح حاکمش دو شقه شده است. صف بندی ها در حکومت اسلامی دائماً تغییر می کند و درگیری ها هر روز بیشتر می شود. تا دو سه سال پیش سعی می کردند، ظاهراً حفظ کنند اما امروز این توان را هم ندارند. در مقابل چشم مردم به روی هم چنگ می اندازند و هر گروه مترصد است تا باند مخالف را از بین ببرد. مدنیت و نظامی در کار نیست، سلطه گروههای مافیائی اسلامی است بر زندگی دهها میلیون انسان. کل این شکافها محصول وضعیت نا متعادل و بی ثباتی است که این حکومت به دلیل فضای سرنگونی طلبی در جامعه و اقتصاد در هم ریخته و انزوای بین المللیش در آن گرفتار شده است و هرچه بیشتر تلاش میکند که ظاهر خود را منسجم نشان دهد، بیشتر در هم ریختگی صفوفش بیرون میزند. بی تردید این وضعیت تا سرنگون شدن این حکومت ادامه خواهد یافت.

زنجیرها را بگسلید

برنامه ای در حمایت از زندانیان سیاسی در ایران

برگزار کننده: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی خواهد شد

شنبه ۱۱ دسامبر ۲۰۱۰ از ساعت ۴ بعدازظهر تا ۱۰ شب برنامه شامل:

سخنرانی
پخش انیمیشن "کهریزک"
برای اولین بار
موزیک
07984445278 /
07896922617

مشخصات کانال جدید

کانال جدید را بر روی هات برد، فرکانس ۱۱۲۰۰
۵/۶ : FEC، پارامترهای عمودی، سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰
هر روز از ساعت ۲۲/۳۰ تا ۳۰ دقیقه بامداد به وقت ایران
در شبکه KBC ببینید.

یک دنیای بهتر برنامه حزب را بخوانید
و در سطح وسیع توزیع کنید

اساس سوسیالیسم انسان است!

بازتاب هفته

جنایت زیبا!؟

هوشیار سروش

روز جمعه دوم مهر زنی ۴۱ ساله بنام ترزا لوئیس در ایالت ویرجینیای آمریکا اعدام شد. اعدام ترزا با تزریق مواد سمی به رگ او صورت گرفت و همچون همیشه با مخالفت و اعتراض وسیعی از مردم مبارز و آزادیخواه آمریکا و دنیا مواجه شد. بنا به گواهی پزشکان ترزا از ضریب هوشی پائینی برخوردار بود و با یک کودک ۱۳ ساله قابل مقایسه بود. روانشناسان اعلام کردند که او دچار اختلال شخصیتی است و نمیتواند بدون وابستگی به شخص دیگری تصمیم گیری نماید. او به جرم کشتن همسر و ناپسری اش به اعدام محکوم شد. یکی از همدستان او که در سال

۲۰۰۶ در زندان خودکشی کرد در نامه ای اعتراف کرد که ترزا را آلت دست قرار داده و از او سوء استفاده کرده بود. بر اساس قوانین پذیرفته شده بین المللی ترزا بجای تحمل هر گونه مجازاتی باید مورد درمان و کنترل قرار می گرفت. اما سیستم قضائی آمریکا به یک قربانی احتیاج داشت و این اولین زنی است که بعد از حدود ۱۰۰ سال در این ایالت محکوم به اعدام می شود. اعدام این زن با حکم قاضی چارلز استراوس و تأیید فرماندار محافظه کار ایالت ویرجینیا با مک دائل انجام شد.

زشتی و ضد انسانی بودن این جنایت مشتمل کننده در هر ابعادی ناپسند و محکوم است. چه از طرف دادگاه ایالتی در آمریکا و در شکل اطاق گاز در بسته و صد سال یکبار صورت گیرد. و چه از طرف

دادگاه ولایتی در ایران و درانظار عمومی روزی یک بار، از شناخت و کراهت آن که دل هر انسانی را به درد می آورد مطلقا نمی کاهد. سالها است که بخش بزرگی از مردم آزادیخواه و انسان دوست آمریکا برای لغو مجازات اعدام در ایالتهایی که هنوز این عمل وحشیانه را بعنوان یک مجازات معمول میدارند مبارزه می کنند.

مقامات و رسانه های جمهوری اسلامی اعدام ترزا لوئیس را بهانه و توجیهی برای اجرای احکام جنایتکارانه اعدام و بویژه صدور حکم اعدام برای سکینه محمدی آشتیانی یافتند و فرصتی پیدا کردند که این احکام غیر انسانی را موجه جلوه دهند. گویی اگر دولت آمریکا جنایت میکنند مجاز است و حکومت های دیگر هم مجاز میشوند که به هر جنایت دست بزنند. در ایران تحت حاکمیت منحوس جمهوری اسلامی این جنایت دولتی

و سازمان یافته و هرروزه یکی از مجازات های متداول و معمولی صاحبان قدرت و قضاوت به حساب می آید. رژیم طی این ۳۰ سال اخیر حاکمیت خود بیش از صد هزار انسان بی گناه را با این مجازات قرون وسطایی و اسلامی نابود کرده است.

خوشبختانه در سال های اخیر مبارزه و تلاش بین المللی برای لغو این مجازات شنیع در ابعاد جهانی بسیار گسترده و همه گیر شده است. بخش بزرگی از این تلاش جهانی و در عین حال مرتبط با مبارزه علیه جنایات جمهوری اسلامی ایران با افکار و ایده های بغایت انسان دوستانه و مدرن منصور حکمت عجین و آمیخته است.

به یمن همین تلاش ها و مبارزات گسترده جهانی برای لغو مجازات اعدام، پیش قراولانی نظیر مینا احدی در پیشاپیش این صف قرار دارند. آوازه این صف گسترده و

جهان گستر بویژه در ماه های اخیر و برای نجات جان سکینه محمدی آشتیانی آنچنان بلند و فراگیر شده است که قلب هرانسانی را شاد و مسرور می کند. جنبش جهانی ای که اکنون برای نجات سکینه محمدی آشتیانی از سنگسار و اعدام با عظمت و قدرت جریان دارد فضای بسیار مناسبی برای کنار زدن مجازات اعدام در تمام جهان ایجاد کرده است. با کنار رفتن مجازات اعدام و جنایات فجیع تری مثل سنگسار، دیکتاتورهای مذهبی و وحشیانه ای نظیر جمهوری اسلامی نیز جایی در دنیا ندارند و نخواهند داشت. مردم آزاده و انسان دوست ایران بارها و در مقاطع مختلف این انزجار خود را از جمهوری اسلامی نشان داده اند و برای به زیر کشیدن این حکومت و برپایی یک جامعه انسانی و شاد و آزاد تلاش میکنند. زنده باد انسان و انسانیت.*

کدام میاحتاج مردم تا امروز عامل پول دار شدن دارو دسته های حکومتی و در نتیجه فقر و گرسنگی و محرومیت اکثریت مردم شریف و زحمتکش ایران نشده است؟ و مدتهاست که مردم اعلام کرده اند که راه حل تمام این معادلات و معجزات این است که از دست این حکومت خلاص بشوند. پاسخ مشکل فقر و گرسنگی، بیکاری چندین میلیونی، کار کودکان، تن فروشی، اعتیاد، بی حقوقی زن، محرومیت های جوانان و هزاران مشکل اجتماعی دیگر مردم ایران این است که جمهوری مفتخوران میلیاردی را براندازیم. این مفتخوران جایشان نه بر مسند قدرت تصمیم گیری بلکه در گوشه های زندان و دیوانه خانه هاست.*

لغو مجازات اعدام

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

از "یک دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری

انجمن صنایع نساجی ایران طی سال های اخیر این بوده است که بابت هر یک کیلوگرم تولید پنبه ۱۵۰ تومان یارانه به کشاورز پرداخت شود. "این آقای رئیس دیگر انگاری اصلا در ایران زندگی نمیکند و خبر هم ندارد که دولت دارد خودش را جر میدهد که یارانه ها را قطع کند، حالا ایشان دارد پیشنهاد پرداخت یارانه های جدید میدهد. بهرحال معضلات و معادلات غیرقابل حل همانگونه که ملاحظه میکنید زیاد است. تحریمها، تعطیل واحدهای تولیدی و بیکاری صدها هزار نفره کارگران. این گوشه ای از وضعیت اقتصاد ایران است که ۳۱ سال در دست حکومت محتکرین، قاچاقچی ها و بازار سیاه راه اندازهاست، بجز پنبه که امروز فهمیدیم به علت عدم اطلاع این مفتخوران بازار سیاه نداشته، راستی

استمداد صنایع نساجی از دولت و به ویژه شخص رئیس جمهوری این است که در راستای جلوگیری از بروز چالش های جدی در صنایع نساجی کشور (۱۰۰ هزار شغل، بایک حساب سرانگشتی میشود گفت حدود ۴۰۰ هزار نفر ممکن است ناشان بریده شود) این محدودیت را لغو و به منظور حمایت بیشتر از این صنعت و رقابت پذیری واحدهای تولیدی، حتی واردات پنبه از دیگر کشورها را نیز آزاد کند. "جالب اینست که دبیر انجمن صنایع نساجی از رئیس جمهور آمریکا و اروپا تقاضا نمیکند که تحریم ها را بردارند، بلکه از احمدی نژاد که تازگی در سفر ینگه دنیا هم گفت که تحریمهای خارجی دولت ایشان را قویتر میکند، این تقاضا را دارد! اما محمد مروج حسینی رئیس انجمن صنایع نساجی ایران در پاسخ به حل این معضلات گفت: "در چنین شرایطی چنانچه وزارت جهاد کشاورزی قصد حمایت از تولید داخلی را دارد، باید در مرحله اول تدابیری برای تامین نیاز واحد های نساجی کشور به پنبه اتخاذ کند و از سوی دیگر با دیگر مکانیزم های حمایتی کشاورزان را نسبت به افزایش سطح زیرکشت پنبه ترغیب کند. پیشنهاد مشخص



پنبه، تحریم و یارانه

غلام اکبری

در اقتصاد ایران هیچ تاثیری نداشته باشند. آت خیرگزاری موج: در شرایطی که وزارت جهاد کشاورزی دستورالعمل محدودیت و یا به عبارتی ممنوعیت واردات پنبه را صادر کرده است، این نگرانی وجود دارد که در آینده نزدیک ۱۰۰ هزار موقعیت شغلی موجود در صنایع ریسندگی و بافندگی با تهدید مواجه شود. "بیکار شدن صد هزار نفر از کارگران البته برای حکومت مساله ای نیست. حائری پیش بینی کرد: "به زودی بازار سیاه پنبه نیز در کشور شکل خواهد گرفت و در پی سوداگری عده ای افراد سودجو، قیمت تمام شده تولیدات داخلی رشد فزاینده ای را دنبال می کند." (کسی باور میکند که طی حکومت ۳۱ ساله جمهوری قاچاق و بازار سیاه، احتکار و آخوندهای ملیاردر، پنبه سفید تا حالا بازار سیاه نداشته؟ بهرحال اگر هم نداشته اکنون راهش باز شده است) علیرضا حائری دبیر انجمن صنایع نساجی ایران، با بیان این مطلب گفت: "در شرایط کنونی

این صورت مسئله را اگر جلوی شما بگذارند چه جوابی میدهد؟ این صورت مسئله یعنی ته کشیدن پنبه و تحریمها و گسترش بیکاری را برخی از دبیران و رئیسان صنایع ایران برای دولت طرح کرده اند. اولین مساله اینست: علیرضا حائری دبیر انجمن صنایع نساجی ایران اعلام کرده است که: "نیاز سالانه صنایع نساجی به پنبه حداقل ۱۵۰ هزار تن برآورد می شود و در عین حال تولید سال جاری پنبه کشور در خوش بینانه ترین شرایط به ۵۰ هزار تن بالغ خواهد شد. ... از سوی دیگر با توجه به اینکه پنبه یک محصول فصلی است، هم اکنون ذخیر پنبه واحد های ریسندگی کشور رو به اتمام است و ظرف ۱۰ روز آینده پنبه ای برای ادامه فعالیت این واحد ها وجود نخواهد داشت." (با یک حساب سر انگشتی میشود فهمید حداقل ۱۰۰ هزار تن پنبه باید وارد شود. تا کلا واحدهای ریسندگی کلا تعطیل نشوند). اما معادله و مشکل دیگری بر سر راه قرار دارد و آن هم مساله تحریم است که قرار بوده است

جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!

حضور فاشیست ها در پارلمان سوئد چه آینده ای را نوید می دهد؟

بهر روز مهر آبادی

روز یشنبه ۱۹ سپتامبر انتخابات پارلمان، شوراهای شهر و استان در سوئد برگزار شد. نتایج انتخابات دور از انتظار نبود. اتحاد راست (شامل حزب محافظه کار یا "مدرات"، حزب مردم، حزب سنتی یا مرکز و دمکرات مسیحی) ۴۹،۴ درصد آرا و ۱۷۳ کرسی انتخاباتی را کسب کرد. ائتلاف موسوم به سرخ و سبز یعنی احزاب سوسیال دمکرات، محیط زیست و چپ با ۴۳،۵ درصد آرا تعداد ۱۵۶ کرسی را در پارلمان اشغال کردند. گرچه حزب سوسیال دموکرات که بزرگترین حزب متمایل به چپ محسوب میشود بیش از حزب مدرات که بزرگترین حزب راست است رای آورد، اما چون هیچکدام از احزاب اکثریت کافی بدست نیاوردند اکثریت داشتن ائتلاف راست نتیجه اش این شد که این ائتلاف حکومت را در دست خواهد داشت. نتایج انتخابات شوراهای شهر و استان در مناطق مختلف متفاوت بود، اما در مجموع تناسب مشابهی بین جناحهای مختلف برقرار بود. این انتخابات ویژگی خاصی داشت. در این دوره حزب فاشیستی دمکرات های سوئد ۵،۷ درصد آرا و ۲۰ کرسی پارلمانی کسب کرد. در سوئد این بالاترین میزان رای به یک حزب فاشیستی در انتخابات پارلمانی است. حزب محافظه کار با افزایش رای توانست

گزارشی از اعتصاب ۳ ساله معدن چیان مکزیک



احمد فاطمی

اکنون حدود سه سال است که اعتصاب و کشاکش و نزاع کارگران و کارفرمای معدن مس "کانانیا" در مکزیک ادامه دارد. این اعتصاب در اعتراض به شرایط نا امن و نامناسب کار شروع شد. در ماه ژوئن پلیس به این کارگران یورش برد و کارگران اعتصابی را بیرون راند. اما این هفته با حکم یک دادگاه محلی در مکزیک این اقدام غیر قانونی اعلام شد و

پست نخست وزیری را حفظ کند و دولتی اقلیت بلوک راست را تشکیل دهد. به این ترتیب حزب دست راستی دموکراتهای سوئد برای اولین بار وارد پارلمان سوئد شد که این یک موفقیت بزرگ برای آنها محسوب میشود. در چهار سال آینده باید شاهد بندبازی آقای فردریک راینفلد نخست وزیر سوئد بین احزاب فاشیست و محیط زیست و سوسیال دمکرات بود. وحشت از همکاری دولت با فاشیست ها بلوک سبز و قرمز را ناچار به تمکین در مقابل بلوک راست می کند بطوری که رهبر حزب سوسیال دمکرات اعلام کرد دادن رای عدم اعتماد به دولت غیر مسئولانه است. اما مذاکرات و معاملات پنهان و آشکار و مجادلات پارلمانی این احزاب در دوره آینده به هر شکل که پیش رود تغییر زیادی در سیاست هایی که بورژوازی سوئد به جامعه تحمیل می کند، نخواهد داد. این سیاست ها بیش از دو دهه توسط احزاب سوسیال دمکرات و محافظه کار به پیش برده شده و با حضور رسمی فاشیست ها در پارلمان قدرت بیشتری خواهد گرفت. محدود کردن خدمات اجتماعی، کاهش هر چه بیشتر بیمه و مرخصی بیماری، محدود کردن خدمات درمانی و بهداشتی، محو خدمات مدارس و مهد کودکها، خدمات سالمندان و معلولین بخشی از این سیاست ها است که در ادامه خود می رود تا "دولت رفاه" و جامعه امن سوئد را به خاطرهای مربوط به گذشته تبدیل کند. در حالی که احزاب راست جای پای خود را در جامعه سوئد محکمتر کرده اند، حزب سوسیال دمکرات و بلوک سبز و قرمز نشان داده

کارگران به همراه خانواده هایشان و مردم شهر که شمار آنها به بیش از هزار نفر میرسد برای ادامه اعتصاب به معدن بازگشتند. دولت این حکم را قبول ندارد و قراردادهای کارگران را لغو شده میداند و از اقدام پلیس در بیرون راندن کارگران حمایت میکند. این معدن بزرگترین معدن مس مکزیک است و در نزدیکی مرز آمریکا و مکزیک قرار دارد. آنچه در وهله اول به نظر می رسد این است که نبردی حاد مابین کارگران متشکل در اتحادیه های کارگران معدن، از یک طرف، و صاحبان سرمایه، مدیران، اعتصاب شکن ها، پلیس و تفنگداران حکومتی در گرفته است که در حال اوجگیری است. رویتز در تاریخ ۱۹ اوت در ارتباط با یکی از حساس ترین مسائل سیاسی مکزیک گزارشی

اند که حرفی برای گفتن ندارند. نمایندگان این حزب اعلام می کنند که همان حرفهای حزب محافظه کار را می زند و متعجبند از اینکه مردم به آنها رای نمی دهند. مردم به درستی درک کرده اند که پاسخ معضلات بیکاری و فقر را نمی شود با پس و پیش کردن چند رقم بودجه، مقایسه جداول آماری و یا تغییر چند تبصره در قوانین حاکم داد. در بحث های انتخاباتی این احزاب هیچ پاسخ صریح و قاطعی در مورد بیکاری، وضعیت بازنشستگان و خدمات اجتماعی و رفاهی به مردم داده نشد. از سوی دیگر در طول حاکمیت احزاب راست و گسترش حملات آنها به حقوق مردم، کوچکترین حرکت اعتراضی از طرف این حزب صورت نگرفت. و احزاب سوسیال دمکرات و چپ نخواستند اعضا و هواداران سنتی خود را در مقابل تعرضات راست بسیج کنند. اتحادیه های کارگری نیز که اکثرا وابسته به حزب سوسیال دمکرات هستند، در مقابل بیکار سازی ها و تعرضات به حقوق کارگران سکوت کرده و صدها هزار نفر اعضای خود را وادار به تمکین نمودند. حزب چپ و محیط زیست هم غرولند کنان به دنبال سوسیال دمکرات ها روان بودند و فقط حزب محیط زیست توانست بخاطر توجه افکار عمومی به فجایع محیط زیستی یک درصد رای خود را بالا ببرد. پیشرفت فاشیست ها فقط ناشی از سیاست آنها در مورد پنهان کردن و مهاجرین نیست. این حزب حتی در بین مهاجرین هم توانسته طرفدارانی کسب کند بویژه در میان ایرانیان ناسیونالیست و منتشر کرده بود. این گزارش به اعتصاب ۳ ساله معدن چیان مکزیک، مساله اعتصاب معدن چیان "کانانیا" مربوط است. بنا بر این گزارش، به ادعای مالک معدن، شرکت "گروپو مکزیکو" مساله معدن چیان کانانیا دولت مکزیک را با چالش مهمتری از جنگ با مافیای مکزیک مواجه کرده است. کارفرما یعنی "گروپو مکزیکو" اعلام کرده است که هنوز کنترل معادن را در اختیار دارد، و حکم دادگاه، و پیروزی اتحادیه معدن چیان بر علیه خود را به رسمیت نمی شناسد. دادگاه پیشتر به کارگران متشکل در اتحادیه ملی معدن چیان حق داده بود که به اعتصاب خود در بزرگترین معدن مس مکزیک ادامه دهند. اتحادیه ملی معدن چیان که حدود ۳ سال

پیش اعتصاب خود را در کانانیا آغاز کرده است، هفته پیشتر اعلام کرده بود که دادگاه ایالتی تخلیه اجباری معدن از کارگران اعتصابی در ماه ژوئن راه غیر قانونی دانسته و بازگشت کارگران به معدن برای ادامه اعتصاب را مجاز دانسته بود. لازم به توضیح است که کارفرما (گروپو مکزیکو) با استخدام اعتصاب شکنان اقدام به تولید مجدد کرده است و بلوکه کردن تلاش کارفرما بمنظور تولید و خنثی کردن اعتصاب تنها با حضور پیکت های کارگران اعتصابی و جلوگیری از تولید ممکن است. کارفرما، که به طور خلاصه جی مکزیکوپره خوانده

حقوق اجتماعی و رفاهی کارگران و مردم امکان پذیر است که این احزاب از آن پریمیز دارند. هر چند که رهبر حزب محافظه کار اعلام نموده است که از همکاری با حزب فاشیستی دمکرات های سوئد در دولت خودداری خواهد کرد اما بعضی از رهبران این حزب امکان مذاکره و همکاری با این حزب را رد نکرده اند. زیر فشار افکار عمومی همکاری دولت با فاشیست ها ممکن است بطور علنی و آشکار انجام نشود اما نمی توان شادمانی احزاب راست را از حضور آنها در پارلمان ندیده گرفت. حمله گسترده تر به حقوق اجتماعی مردم، پائین آوردن دستمزدها، گسترش خصوصی سازی ها، ظالمانه تر کردن قوانین پنهانده پذیر می مدد این حضور می تواند قاطعانه تر به پیش برده شود. مقابله با این تعرض وسیع سرمایه داری بدون وجود آوردن یک جنبش وسیع ضد فاشیستی و ضد سرمایه داری، بدون بسیج گسترده و آوردن مردم به خیابانها، بدون گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگری و مهمتر از همه بدون طرح خواسته های رادیکال و مشخص مردم نمی تواند امکان پذیر باشد. بلوک اپوزیسیون دولت یعنی احزاب سوسیال دمکرات، محیط زیست و چپ تاکنون نشان داده اند، که از این کار عاجزند و از بوجود آوردن چنین جنبشی وحشت دارند. باید دید که فشار کارگران و مردم و ترس از شکست های بیشتر چه سیاست های تازه ای را در مقابل این احزاب می گذارد و یا چه نیروهای سیاسی جدیدی را وارد صحنه سیاسی سوئد می کند.

میشود یکی از بزرگترین شرکت های استخراج منابع زیر زمینی است و در آمریکا، مکزیک، پرو و شیلی به استخراج مشغول است. این شرکت در کنار معدن کانانیا در مکزیک که بزرگترین معدن مس جهان است مالکیت و امتیاز استخراج معادن متعدد دیگری را نیز در قاره آمریکا در اختیار دارد. طبق آمار رسمی این شرکت به تنهایی ۸۷،۵٪ تمام مس تولید شده مکزیک در سال ۲۰۰۰ را به خود اختصاص داده بود. مکزیک سومین تولید کننده مس جهان است. سود خالص این شرکت در سال ۲۰۰۹، علی رغم رکود اقتصادی و

صفحه ۷

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

اطلاعیه شماره ۳۸: بهنام ابراهیم زاده در زندان اوین دست به اعتصاب غذا زد



برای امضای طومار اعتراضی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و پیگیری اخبار مربوط به کارگران زندانی به وب لاگ ویژه این کمپین سر بزنید.

<http://free-them-now.blogspot.com/p/>

کمک مالی به تلویزیون کانال جدید

عباس ماندگار ۱۰۰۰ دلار سعید صالحی نیا ۶۰۰ دلار
رزگار رضایی ۵۰۰ دلار فریده آرمان ۱۰۰ دلار
عباس زمانی ۵۰۰ کرون بهمن خانی ۵۰۰ یورو
جلیل جلیلی ۲۰۰ پوند
ایران: حوزه انترناسیونال ۶۸۰ هزار تومان

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:

Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا

Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبیل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

منصور اسانلو، ابراهیم مددی و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای کارگران زندانی و فعالین سیاسی باید فوراً لغو و احضار و تهدید آنان متوقف شود.

با کمپین برای آزادی کارگران زندانی همکاری کنید.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۸ مهر ۱۳۸۹ - ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۰

معدن خبر آماده بود که پلیس و چماقداران امنیتی به پیکت کارگران اعتصابی حمله کرده و آنان را به داخل سالن اتحادیه عقب رانده و برای در هم شکستن مقاومتشان به داخل ساختمان گاز اشک آور شلیک کرده اند. روز بعد نیروهای امنیتی خانواده های ۶۵ کارگر کشته شده در معدن ذغال پاستاد کونچوس را وحشیانه از محوطه معدن اخراج کردند. این خانواده ها از سال ۲۰۰۶ در محوطه معدن چادر زده و به منظور دریافت غرامت، از کارفرما که همان مکزیکوپره است متحصن شده بودند.

سرجیو تولانو یکی از رهبران محلی اتحادیه که مانند باقی کارگران اعتصابی به گومز وفادار است می گوید که دولت و مکزیکوپره قصد دارند اتحادیه ما را وادار به سکوت کنند؛ وظیفه ما دفاع از سازمانمان است. در پی سرکوب وحشیانه کارگران اعتصابی، اتحادیه ضمن شکایت از این اقدام غیر قانونی، کارفرما را به دادگاه کشید و حق اعتصاب خود، و بازگشت به شرایط پیش از لشکر کشی کارفرما و دولت را تشبیه کرد. اما مکزیکوپره و وزارت کار مکزیک از قبول حکم دادگاه امتناع کرده و آن را علناً بی ارزش خوانده اند. کارفرما اعلان کرده است که تولید را از سال ۲۰۱۱ از سر خواهد گرفت. آخرین اخبار حاکی از عزم اتحادیه برای ادامه مبارزه و تحقق مطالبات، و تصمیم کارفرما برای ادامه سرکوب با کمک تنفنگاران و چماقداران دولتی است. خبر از تیراندازی، کتک زدن کارگران و حمله های شبانه و تلفات جانی هم می رسد. ما اخبار این اعتصاب را در جزئیات تعقیب می کنیم.

اعلام کردند که خودمان خبرتان می کنیم! بهنام در اعتراض به بلاتکلیفی و آزاد نشدن خود، دست به اعتصاب غذا زده است و این موجبات نگرانی خانواده اش را فراهم کرده است.

بهنام ابراهیم زاده روز ۲۲ خرداد دستگیر شد، بشدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت بطوری که از ناحیه قفسه سینه و پا بشدت آسیب دید و همچنان در بند انفرادی ۲۰۹ در بازداشت بسر میبرد. بهنام ابراهیم زاده، رضا شهابی،

بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و فعال دفاع از حقوق کودک، از روز ۷ مهرماه دست به اعتصاب غذا زده است. برای آزادی او وثیقه سنگین صد میلیون تومانی تعیین کردند و علیرغم اینکه بهنام به این مساله اعتراض داشت، اما خانواده اش وثیقه را تهیه کردند و به مسئولین زندان دادند اما علیرغم گذشت حدود یک ماه از این مساله، بهنام همچنان در زندان است و امروز نیز مسئولین زندان اوین یکبار دیگر به خانواده اش که برای ملاقات او به اوین رفته بودند

گزارشی از اعتصاب ۳ ساله ...

از صفحه ۷

خود گماشته شده است. هواداران گومز دولت را متهم میکنند که حق انتخاب رهبر را از اعضای اتحادیه سلب کرده است. کارگران اعتصابی علت این اعتصاب عظیم ۳ ساله را شرایط بد کاری و غیر بهداشتی اعلام کرده اند. کارفرما و دولت تلاش میکنند که آزا ناشی از تحریکات و تهدیدات عده ای که هواداران رهبر فراری اتحادیه معرفی میشوند بخوانند. اما صرف نظر از این دو روایت مسائل پایهای تری هم مطرح هستند. تاریخچه اعتصابات و مبارزات این معدن چیان خود روایتی شنیدنی است. از سال ۲۰۰۱، از آن هنگامی که گومز رهبری اتحادیه را به عهده گرفت ۳۲ اعتصاب توسط این اتحادیه ثبت شده است. این در حالی است که تا سال ۲۰۰۱ این اتحادیه تنها یک اعتصاب در دهه ۱۹۹۰ سازمان داده بود (نیویورک تایمز ۷ ژوئیه ۲۰۱۰). علاوه بر این یکی از اقدامات اولیه گومز تغییر رابطه اتحادیه های رسمی مکزیک با بخش خصوصی اقتصاد مکزیک و استقلال عملی آنها بوده است. یکی از خواسته های غیر رسمی اعتصاب کنندگان به رسمیت شناختن گومز به عنوان رهبر گزارش شده است. کارفرما خسارات تاکنونی این اعتصاب را ۱،۵ میلیارد دلار برآورد کرده است. اولین یکشنبه ماه ژوئیه، وقتی که اهالی اسکودا از خواب بیدار شدند نیروهای امنیتی و پلیس در خودروهای ضد شورش در خیابانهای شهر جولان میدادند. هلیکوپترهای نیروهای امنیتی بر فراز شهر و تاسیسات معدن در پرواز بودند. از

اعتصاب در کانایا بزرگترین معدن مس جهان ۱،۹ میلیارد دلار اعلام شده است. در تاریخ ۱۷ سپتامبر کورپوریت لایبراری که اوضاع شرکت های بزرگ جهان را مونیتور می کند گزارش داده بود که کارفرما با طرح این که هواداران رهبر سابق اتحادیه ملی معدن چیان، ناپولئون گومز، که تحت تعقیب قرار دارد و فراری است مانع از اسر گیری تولید در معدن هستند، خواسته است که حضور نیروهای امنیتی در معدن و تاسیسات تصفیه افزایش یابد. او حتی درخواست کرده است که این نیروی امنیتی در شهر اسکودا هم مستقر گردد. اسکودا که ۲۲ کیلومتر از تاسیسات این شرکت فاصله دارد و محل سکونت کارگران معدن است. شرکت مکزیکوپره که این معدن را در اختیار دارد در عین حال به شرکا و خریدارانش اعلام کرده است شرایط فورس ماژور بر فعالیت این شرکت حاکم است. این در عمل به این معناست که مکزیکوپره هیچ تعهدی در قبال قراردادهای موجود به عهده نمیگیرد. با توجه به اهمیتی که صادرات مس برای اقتصاد مکزیک دارد، به نظر می رسد که این یک مانور سیاسی و پروپاگاندا به منظور تحمیل شرایط پلیسی و امنیتی به کارگران اعتصابی است. ناپولئون گومز آورو تریا رهبر سابق اتحادیه معدن چیان که از طرف دولت مکزیک به سوء استفاده مالی متهم شده است از سال ۲۰۰۶ فراری و به کانادا پناهنده شده است، وی هنوز از جانب اعضا، رهبر اتحادیه محسوب می شود. رهبر جدید اتحادیه از جانب دولت به سمت

جدال کارگران در برابر دولتهای اروپایی گسترش می یابد

بهروز مهر آبادی



یونان سن بازنشستگی بالا رفت و حقوق بازنشستگان کم شد و دست کارفرمایان برای اخراج کارگران باز گذاشته شد.

در چند ماه اخیر شهرهای بزرگ اروپا شاهد اعتصابات و تظاهرات های بزرگ میلیونی در اعتراض به حملات سرمایه داری به سطح معیشت مردم بوده است. در حالی که شعارها و خواسته های کارگران معترض هر روز رادیکالتر و چپ تر می شود، اتحادیه های کارگری و احزاب سنتی کارگری اروپا همچنان به دنبال وصله پینه کردن قوانین جاری و ترمیم نارسائی های سرمایه داری هستند و بخاطر ترس از دست دادن اعضای خود و در اثر فشار کارگران وادار شده اند که واکنش نشان دهند. تظاهرات چند ماهه اخیر آغاز یک خیزش بزرگ در اروپا بود. اما تمام شدن تابستان به معنی پایان این فصل داغ نیست. به اجرا در آمدن قوانین سختگیرانه اقتصادی، افزایش بیکاری و فقر جوامع اروپا را قطعی تر و مبارزه طبقاتی را حادث می کند، نیروهای جدیدی به میدان می آیند و در آینده نزدیک باید شاهد گسترش بیشتر مبارزات کارگران و مردم در مقابل دولت های سرمایه داری اروپا باشیم. *

بحران یونان مجدداً سرباز کرد و عمیق تر شد و تقریباً تمامی کشورهای عضو اتحادیه اروپا را فرا گرفته است. بسیاری از کشورها دچار کسری بودجه های عظیمی هستند. در حالی که بانکداران، روسای شرکت ها و موسسات بزرگ سود های میلیاردری به جیب های خود سرازیر کرده اند، بار جبران کسر بودجه به دوش کارگران و زحمتکشان و حقوق بگیران افتاده است. دولتهای اصلی اتحادیه اروپا برنامه های ریاضت اقتصادی گسترده ای را در دستور گذاشته اند تا این کسریهای عظیم را جبران کنند و کارگران تصمیم دارند مقابل آنها بایستند. دولت پرتغال کاهش حقوق کارمندان و افزایش مالیات ها را در دستور کار خود گذاشته است. در اسپانیا دولت تصمیم به پائین آوردن حقوقها به میزان ۵ درصد، کاهش مزایای بازنشستگی، بالا بردن سن بازنشستگی از ۶۵ به ۶۷ سال و افزایش مالیاتها و کاهش خدمات عمومی را دارد. دولت فرانسه سن بازنشستگی را بالا برده و دولت انگلیس حمله خود را متوجه آموزش و پرورش، مراکز دانشگاهی، بهداشت و درمان و حقوق بازنشستگان کرده است. طرح ریاضت اقتصادی دولت آلمان قرار است ۸۰ میلیارد یورو در عرض سه سال صرفه جویی کند. در

روز چهارشنبه ۷ مهر بیش از صد هزار نفر از کارگران از ۳۰ کشور اروپایی در بروکسل جمع شدند و مقابل مقر اتحادیه اروپا دست به تظاهرات و اعتراض زدند. کارگران به برنامه های ریاضت اقتصادی که اتحادیه اروپا در کشورهای عضو خود به اجرا گذاشته اعتراض دارند. اغلب تظاهر کنندگان از کشور آلمان بودند. شمار زیادی از فرانسه و ایتالیا و اسپانیا و یونان و لهستان آمده بودند. فضایی بسیار رادیکال و خشم آگین بر سخنرانی ها حاکم بود. این تظاهرات را کنفدراسیون اتحادیه های کارگران اروپایی فراخوان داده بود. در یونان، ایرلند، صربستان، لتونی و ایتالیا نیز اعتراضات وسیعی به همین مناسبت انجام شد. در اسپانیا اتحادیه های کارگری فراخوان یک اعتصاب عمومی ۲۴ ساعته را دادند و صنایع ماشین سازی، الکترونیک، معدن، فولاد، حمل و نقل و ماهیگیری متوقف گردید. در تظاهرات بزرگ شهر بارسلون مأموران پلیس به صف تظاهر کنندگان حمله کردند. در فرانسه یک اعتصاب چند صد هزار نفره به جریان افتاد و بخش زیادی از این کشور فلج گردید. بحران عمومی اقتصادی اروپا با

علیه اعدام و سنگسار در نمایشگاه بین المللی

کتاب گوتنبرگ

همبستگی مردم حاضر در نمایشگاه در تداوم اعتراضات جهانی علیه سنگسار و بویژه علیه حکم سنگسار سکینه آشتیانی بوده و گوشه ای از همبستگی با مبارزات مردم ایران را به نمایش می گذاشت. صدها نفر طومار علیه جمهوری اسلامی را امضا کردند. سه خواسته در این طومار عبارت بودند از:

۱- لغو احکام سنگسار و اعدام در ایران و جهان. آزادی فوری سکینه محمندی آشتیانی و سایر محکومین به سنگسار
۲- آزادی فوری و بیقید و شرط کلیه زندانیان سیاسی
۳- قطع روابط سیاسی و دیپلماتیک دولت سوئد با جمهوری اسلامی
همچنین صدها اطلاعیه و آفیشهای مختلف در رابطه با اعدام

طبق سنت چندین ساله، امسال نیز بمدت چهار روز از ۲۳ تا ۲۸ سپتامبر نمایشگاه بین المللی کتاب در شهر گوتنبرگ سوئد برگزار شد. کمیته های بین المللی علیه اعدام و سنگسار و واحد گوتنبرگ فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی مشترکاً در این نمایشگاه غرفه اطلاعاتی برپا کردند. تم این غرفه نه به اعدام و سنگسار بود. عکسهای متعددی از جنایات جمهوری اسلامی، اعدامها و سنگسار و همچنین عکسهای زندانیان سیاسی و کارگران زندانی و سکینه محمندی آشتیانی توجه بسیار زیاد بازدیدکنندگان نمایشگاه را جلب می کرد. صدها نفر بادیدن عکسها خود بخود بطرف غرفه علیه اعدام می آمدند و انزجار خود را علیه جمهوری اسلامی و جنایاتش اعلام می کردند. ابراز پشتیبانی و

سنگسار و مبارزات جهانی علیه آن در دسترس عموم قرار گرفت. رادیو سراسری سوئد (پژواک) و رادیو همبستگی گوتنبرگ با مسئول غرفه مجید حمیدیان و همچنین رادیو شبکه زنان و یکی از رادیوهای محلی گوتنبرگ با چند تن از فعالین غرفه در این رابطه مصاحبه کردند

فعالین حاضر در غرفه با حضورشان و بحثهای طولانی با مردم بازدیدکننده، صدای اعتراض و حق طلبی مردم ایران را به گوش صدها نفر طی چهار روز رساندند. نمایشگاه بین المللی گوتنبرگ امسال شاهد سنکر محکمی علیه رژیم سنگسار و اعدام در ایران بود.

کمیته های بین المللی علیه اعدام و سنگسار فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی گوتنبرگ ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۰



International Committee Against Stoning
(<http://stopstoningnow.com>)

International Committee Against Execution
(<http://notonemoreexecution.org>)

Spokesperson: Mina Ahadi minaahadi@aol.com
0049-177-569-2413

کمک مالی به کمپین نجات سکینه را فراموش نکنید. لینک پی پل برای واریز کمک:

<http://countmein-iran.com/donate.html>

۳۵۰۰ کارگر لاستیک بارز در کرمان دست به اعتصاب سه روزه زدند

بنا به خبری که اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر کرده است، ۳۵۰۰ کارگر لاستیک بارز در استان کرمان از روز یکشنبه چهارم تا صبح روز هفتم مهرماه دست به اعتصاب زدند و علیه شرایط اسفبار کارشان و عدم پرداخت اضافه کاری اعتراض کردند.

طبق این گزارش، کارگران لاستیک بارز در سالهای قبل هرماه ۱۲۰ ساعت اضافه کاری دریافت میکردند که کارفرما به تدریج آنرا به سی ساعت و در شهریور ماه امسال آنرا به سه ساعت تقلیل داد. این مساله مانند جرقه ای خشم کارگران را برانگیخت و به اعتصاب یکپارچه آنها منجر شد.

در روز سوم اعتصاب یعنی صبح روز چهارشنبه، رئیس اداره کار کرمان به لباس بسیجی! در میان کارگران حاضر شد و با وعده تشکیلات کمیته ای برای رسیدگی به خواستههای آنان، کارگران را وادار به بازگشت بکار کرد. کارگران هرچند میدانند نباید به وعده کارفرما دل خوش کنند اما بدلیل باز بودن دست کارفرما در عدم تمدید قرار داد یکماهه کارگران که شامل ۹۰ درصد آنها میشود مجبور به بازگشت به کار شدند.

کارگران این کارخانه ماهانه بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان دستمزد میگیرند که حدود ۳۷ هزار تومان آن بابت مالیات و حق بیمه کسر میشود. همچنین کارفرمای این

کار نبوده اند از کارخانه بیرون کرده است. لازم به توضیح است که کارخانه لاستیک بارز روزانه ۲۴۰ تن لاستیک تولید میکند و سود خالص آن در سال گذشته مبلغ ۴۰ میلیارد تومان بوده است.

اجحافات و زورگوئی ها و بیرحمی های آشکار کارفرمای این کارخانه و سایر مراکز کارگری در پناه نیروهای سرکوب رژیم از بسیج و سپاه و نیروهای انتظامی و وزارت اطلاعات و امام جمعه ها و غیره صورت میگیرد. کارگران و سایر مردم زحمتکش راهی جز اتحاد و تشدید مبارزه برای سرنگونی حکومت کثیف و جنایتکار اسلامی سرمایه داران ندارند. ۳۵۰۰ کارگر لاستیک بارز و خانواده هایشان جمعیت بزرگی را تشکیل میدهند که

میتوانند مبارزه خود را به مرکز شهر بکشانند و حمایت هزاران نفر دیگر از مردم را جلب کنند. این تنها راه عقب راندن کارفرمایان و دفاع از همین زندگی حقیرانه ای است که به آنها تحمیل کرده اند. حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت قاطع از خواست های کارگران کارخانه بارز کرمان، از کارگران همه مراکز کارگری و از جوانان و مردم کرمان میخواهد که از مبارزه بحق آنان پشتیبانی کنند.

زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۸ مهرماه ۱۳۸۹، ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۰

کارگران شرکت کرپ ناز کرمانشاه، مجدداً تجمع کردند

روز ۴ مهر کارگران کرب ناز کرمانشاه در ادامه بیش از یکماه اعتصاب در اعتراض به اخراج ها و سه ماه و نیم دستمزد پرداخت نشده و ۷ ماه حق بیمه معوقه شان، برای چندمین بار در مقابل ساختمان مرکزی بانک ملت این شهر دست به تجمع زدند. بنا بر تصمیم مدیریت ۸۰ نفر از کارگران این شرکت در لیست اخراج هستند. مدیریت بر روی

تصمیم رضایت دادند. اما بعد از سریاز زدن مدیریت از اجرای این مصوبه و اعلام اینکه امکان پرداخت ۴ ماه حقوق در سال را ندارند و در قبال اخراجها فقط سالانه دو ماه حقوق پرداخت خواهد شد، کارگران در مقابل این بیکارسازها ایستاده و اعلام داشتند که آنها به هیچ وجه به این اخراجها تن نمیدهند. در ادامه این اعتراضات کارفرما از در دیگری وارد شد و ضمن اینکه بر گفته خود و دو ماه حقوق پافشاری میکرد، اعلام

داشت که ما ۷ ماه بیمه را پرداخت کرده ایم و فعلاً فقط ده کارگر اخراج خواهند شد. اما کارگران این را توطئه ای در جهت تفرقه در صفوف خود دیده و بر روی متوقف شدن فوری این اخراج ها تاکید کردند.

کارگران اعلام کرده اند که تا رسیدن به خواسته هایشان بر اعتراضاتشان ادامه خواهند داد.

کارخانه کرب ناز هرسین کرمانشاه، زیر نظر شرکت خردمندان فعالیت دارد و بانک ملت سیاست

گذار اصلی و سهام دار این شرکت است.

کارگران کرب ناز هرسین کرمانشاه خواهان متوقف شدن اخراج ها و پرداخت طلب هایشان هستند.

زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۵ مهر ماه ۱۳۸۹، ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۰

تجمع اعتراضی کارگران خاور رشت در مقابل استانداری گیلان

روز سه شنبه ۳ مهر، ۲۰۰ نفر از کارگران کارخانه خاور واقع در کیلومتر ۵ جاده رشت- فومن در اعتراض به نپرداختن ۷ ماه دستمزد هایشان، در مقابل استانداری استان گیلان در شهر رشت تجمع کردند. به گفته کارگران سقف طلب این کارگران بعضاً به ۵ میلیون تومان میرسد. کارگران این کارخانه تا کنون چندین بار در همین محل تجمع داشته اند و هر بار با وعده و وعید آنها را سردوانده و تا کنون پاسخی به آنها داده نشده است. این درحالیست که تازگی مبلغی حدود ۲ میلیارد و هشتصد میلیون تومان وام از اداره صنایع به این شرکت پرداخت شده است، و کارفرما این پول را به جیب زده و اقدامی در جهت پرداخت طلبهای کارگران انجام نداده است. در تجمع روز ۳ مهر نیروی انتظامی در محل حاضر شده و کارگران را تهدید

کردند که محل را ترک کنند. اما کارگران در دسته های چند نفری و در اطراف استانداری به تجمع خود ادامه داده و منتظر نمایندگان خود که جهت پیگیری مطالباتشان به داخل استانداری مراجعه کرده بودند، ماندند.

در کارخانه خاور رشت، قبلاً حدود ۱۰۰۰ کارگر اشتغال به کار داشتند که هم اکنون تنها حدود ۳۰۰ کارگر زن و مرد در آنجا مشغول به کار هستند که ۴۰ نفر از آنان به صورت قراردادی کار میکنند.

کارگران خاور رشت خواهان پرداخت فوری دستمزدهای پرداخت نشده خود هستند.

پرداخت نکردن دستمزدها يك جنایت آشکار در حق کارگران و خانواده ها و فرزندان کارگران است. حکومت اسلامی سرمایه داران با حراست و نیروهای سرکوبش در مقابل کارگرانی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران

۶ مهر ماه ۱۳۸۹، ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۰

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۶۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

زنده باد سوسیالیسم!

اطلاعیه شماره ۷۶: سجاد از شهرداریهای دنیا برای نجات مادرش کمک خواست

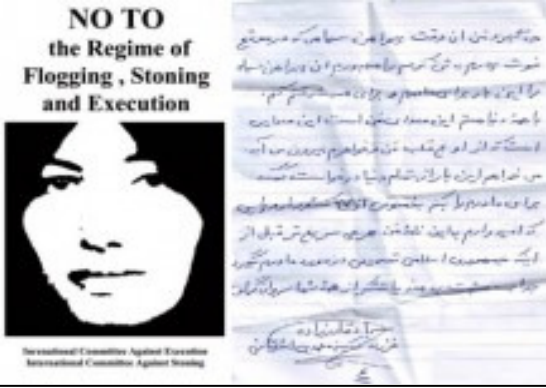
در نامه ای که سجاد قادرزاده روز ۲۶ سپتامبر خطاب به شهرداری های جهان نوشته است، از آنها برای نجات مادرش کمک خواسته است. در این نامه سجاد ضمن قدردانی از همه افراد و سازمانهایی که برای نجات مادرش تلاش کرده اند نوشته است:

"از شهرداری های رم و فورانس در ایتالیا سپاسگزارم که برای نجات مادر بیگناهم تلاش کردند. از کلیه

شهرداریها در پایتخت های مختلف تقاضا میکنم که با یک حرکت دسته جمعی اعتراض به حکم علیه مادرم را به جمهوری اسلامی نشان داده و باعث گسستگی حکم اعدام و سنگسار مادرم شوند."

امیدواریم شهرداریهای سراسر جهان به فراخوان سجاد پاسخ مثبت دهند و شاهد حرکت گسترده ای توسط شهرداریها در همه جای جهان باشیم.

اعدام همچنان سکینه را تهدید میکند و مقامات قضائی گفته اند تا دو هفته دیگر درمورد سکینه تصمیم نهائی را خواهند گرفت. باید با تمام قوا کمپین جهانی برای نجات سکینه ادامه یابد و جمهوری اسلامی تحت فشار بیشتری قرار گیرد تا مجبور به آزادی سکینه شود. (کمیته بین المللی علیه سنگسار، کمیته بین المللی علیه اعدام- ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۰)



خطر اعدام همچنان بالای سر سکینه است

مقامات قضائی جمهوری اسلامی، همزمان با سرقت پرونده از دفتر آقای هوتن کیان وکیل سکینه، اعلام کردند که سکینه به اعدام محکوم شده است!

هر اظهار نظری مبنی بر مجازات سکینه، فشار روحی وارد کننده ای بر فرزندان سکینه وارد میکند و بر نگرانی آنها دامن میزند. سجاد در فراخوانی از دنیا برای نجات مادرش کمک خواسته است. ما یکبار دیگر بر ضرورت تداوم قدرتمند کمپین نجات سکینه در سطح جهان تاکید میکنیم.

کمیته بین المللی علیه سنگسار
کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۷ سپتامبر ۲۰۱۰

بود. و آنجا نه دلک بازی امروزی شما و نه سهل انگاری و به هیچ انگاشتن جان سکینه و سکینه ها دردی از شما درمان خواهد کرد. ما برای سرنگونی حکومت قتل و جنایت شما کمر بسته ایم و به شما قول میدهم که روز محاکمه شما و رهبر جلداتان و همه کسانی که از سی و یکسال قبل به این دستگاه جنایت الهی کمک کرده اند، خواهد رسید.

اینرا من به شما قول میدهم. مینا احدی-سرخنگوی کمیته های بین المللی علیه اعدام و سنگسار
۲۲ سپتامبر ۲۰۱۰

محسنی از ای سخنگوی قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران، امروز ۲۷ سپتامبر اعلام کرد که سکینه به سنگسار و اعدام محکوم شده بود و مجازات مربوط به قتل، مقدم بر مجازات مربوط به زنا است. لازم به یادآوری است که احمدی نژاد و مشائی معاون او در نیویورک در روزهای اخیر اعلام کرده بودند که حکم سنگسار درمورد سکینه هیچگاه صادر نشده است.

قبلا ما اسناد مربوط به پرونده سکینه در دادگاه تبریز را منتشر کرده ایم که به وضوح نشان میدهد که دادگاهی برای محاکمه سکینه به اتهام قتل تشکیل نشده است. بدنبال فشار کمپین جهانی علیه سنگسار،

به مورچه برسد" بیش از حد وقاحت است، که در مصاحبه با "ای بی سی" گفته اید. شما کاریر شغلی خودتان را با تیر خلاص زدن به سر زندانیان سیاسی شروع کرده اید و اکنون کسانی هستند که در اروپا شخصا از شما شکایت کرده اند چرا که در سالهای اول به قدرت رسیدن این حکومت جنایت اسلامی، شما شکنجه گر آنها بوده اید.

فراغوش نکنید که روزی همه شما در مقابل دادگاههای بین المللی پاسخگوی این همه جنایت، این همه وقاحت و این همه ظلم و ستم خواهید

از صفحه ۱

اسلامی دامن زده و به هر مورد اعدام و سنگسار اعتراض گسترده و جهانی سازمان میدهیم. چرا که علیه حکومت اسلامی میلیونها نفر به میدان آمده و مشغول سرنگون کردن این حکومت هستند، چرا که شما را هیچ کس در ایران به عنوان "رییس جمهور" به رسمیت نمی شناسد و صحبت از سرنگونی امروز و فردای این حکومت است... و فراموش نکنید که شما رییس باند و حکومتی هستید که روزانه اعدام میکنید، که بچه اعدام میکنید، که زن را تا سینه در خاک فرو کرده و با پرتاب سنگ زجرکش میکنید و این قانون آن حکومتی است که شما در راس آن قرار دهید و با دم تکان دادن در مقابل "رهبر" جایگاه خود را حفظ میکنید و با دلک بازی در مقابل رسانه های بین المللی، خاک به چشم مردم می

تفاوت اعدامها در ایران با امریکا در اینست که شما رسماً و علناً فعال سیاسی را اعدام میکنید، وبلاگ نویسی که از بد روزگار به ایران سفر کرده را دستگیر و به اعدام محکوم میکنید و در زندان عملاً با اعمال فشار و شکنجه و تجاوز برادران حزب الهی به زن و مرد، باعث مرگ بسیاری از اینها میشوید و شده اید. شوخی نکنید! "من نمیخواهم آزارم

از زمان پرواز هواپیمای احمدی نژاد به نیویورک ...

گرفتند، راحت خوابید، چرا که هر روز چند نفر را کشتند...

احمدی نژاد در مقابل سوال و اعتراضات به حکم سنگسار سکینه محمدی آشتیانی رسماً دروغ میگوید و سپس جا خالی داده و از اعدامها در امریکا حرف میزند. تو گویی کسانیکه علیه جنایات این حکومت فاشیسم عریان اعتراض میکنند و علیه اعدام مبارزه میکنند، از اعدام در امریکا یا عربستان سعودی و یا پاکستان و .. دفاع میکنند. نه جناب "رییس جمهور" جهت اطلاع شما در دنیا یک جنبش گسترده و انسانی علیه قتل عمد دولتی و جنایات مقدس شما، همزمان وجود دارد و در مقابل همان زندانی که قرار است فردا یک زن را در امریکا اعدام کنند، تعداد زیادی تجمع میکنند و به این جنایت علنی و خونردانه یعنی اعدام توسط دولتها اعتراض میکنند. همانها به شما و حکومت فاشیست شما که در راس اعدامها در دنیا است، نیز اعتراض میکنند. فهم این امر ساده برای شما مشکل است؟

دولت شما بهمه راه دولت چین در صدر این اعدامها است، و اعتراض علیه حکومت جنایتکار اسلامی در دنیا زیاد است چرا که مردم ایران و ما در دنیا جنبشی عظیم علیه حکومت

به این رفتار محترمانه با جلدان زمان بدهد. احمدی نژاد از اعدام زنان و مردان در امریکا حرف میزند و ظاهراً مخالف اعدام با تزریق سم و یا اعدام با صندلی الکتریکی است و از اعدام در ملا عام، اعدام با طناب دار و اعدام کودکان و سنگسار زنان حرفی نمیزند.

در همین فاصله پرواز هواپیمای احمدی نژاد به نیویورک تا امروز، حداقل ۹ نفر در ایران اعدام شدند.

پنجشنبه ۱۶ سپتامبر امین ۲۵ ساله بعد از اینکه ۱۷۳ ضربه شلاق به او زدند اعدام شد. چند روز قبل از قتل این جوان، رسانه های دولتی بیشرمانه با ابراز خوشحالی اعلام کردند که پسر "چشم آبی" اعدام میشود و عکس او را زدند و به "زنان و دختران" در ورامین قول دادند که با اعدام او امنیت به جامعه برمیگردد!

یک روز قبل از آن ۱۵ سپتامبر یک نفر در شیروان اعدام شد. ۲۸ شهریور ۱۸ سپتامبر یک نفر در زندان زاهدان اعدام شد. ۲۹ شهریور ۱۹ سپتامبر سه نفر در زندان کارون اهواز اعدام شدند. ۳۰ شهریور ۲۰ سپتامبر سه نفر در زندان یزد اعدام شدند.

ضحاک زمان لاید در هتلی که به زور در نیویورک برایش جا

سجاد از بانگی مون خواست که برای آزادی مادرش و ریشه کن کردن سنگسار تلاش کند



هوتن کیان وکیل سکینه و سجاد قادرزاده

اند و پایان دادن به وحشیگری قرون وسطائی سنگسار و پایان دادن به عمر حکومت سنگسار اسلامی فراخواند.

عکس او را برای اولین بار منتشر کرده و این اسناد بر روی سایتهای کمیته های بین المللی علیه سنگسار و اعدام درج شده است. کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار طی اطلاعیه ای در ۲۳ سپتامبر ضمن اعلام این خبر بار دیگر همه مردم جهان را به ادامه تلاش جهانی برای آزادی سکینه محمدی آشتیانی و همه کسانی که به سنگسار محکوم شده

جمهوری اسلامی و رسانه های آن در حق مادرش کرده اند اشاره کرده و گفته است که هنوز حکم سنگسار مادرش لغو نشده و سر جای خود باقی است و خواهان حمایت جهانیان برای حفظ جان مادرش و همینطور خود او و وکیلش که در معرض خطر هستند شده است.

کمیته های بین المللی علیه اعدام و سنگسار عین نامه سجاد و

این نامه به پرونده مادرش، ۹۹ ضربه شلاقی که به مادرش زده اند، دروغ های قوه قضائیه و عدم تطابق موضعگیری های مقامات مختلف قوه قضائیه درمورد پرونده مادرش اشاره کرده و گفته است بخاطر همه آنها که توسط جمهوری اسلامی به سنگسار محکوم شده اند، این نامه را در سازمان ملل قرائت کنید. او همچنین در نامه خود به طلسمی که

همزمان با حضور احمدی نژاد در اجلاس سالانه سازمان ملل، سجاد قادرزاده پسر سکینه محمدی آشتیانی نامه ای سرگشاده درمورد مادرش به بانگی مون نوشت و از او خواست که نامه اش در سازمان ملل، در حضور احمدی نژاد و نمایندگان همه دولتها قرائت شود به این امید که سنگسار از ایران ریشه کن شود و مادرش نیز فوراً آزاد شود. سجاد در

جنگ امروز جناحها بر سر ...

از صفحه ۱۲

کارگران معترض را اخراج و پاکسازی کرده، تشکل‌های کارگری را سرکوب کرده و ازادال و اوباش حزب الله و ثارالله را عربده کشان و برای سربازی گیری برای ادامه جنگ شومشان روانه خیابانها کردند. به کمک همین جنگ فضا و جو ترور و ارباب را بر سر جامعه حاکم کردند. در طول هشت سالی که این جنگ ادامه داشت حکومت نظامی سرکوب عریان و جنایات جنگی سازمان یافته حکومت بر علیه مردم بشدت ادامه داشت. اینها مهمترین واقعیات جنگ هشت ساله است. بعد از پایان جنگ و نوشیدن جام زهر توسط خمینی، در هراس از اعتراض و گسترش مبارزه مردم بر

خورده بودند و از شکست داعیه های "صنوبر انقلاب اسلامی خمینی" جنون گرفته بودند، رسماً و علناً جنگ بر علیه مردم را اول از قتل عام بیش از ۵ هزار زندانی سیاسی آغاز کردند. در ماههای، مرداد، شهریور تا مهر هزاران نفر از بهترین انقلابیون و کمونیستها و مدافعین حقوق زنان، فعالان کارگری و اعضا و هواداران سازمانهای سیاسی و چپ را وحشیانه و در زندانها بدون محاکمه اعدام کردند. ابعاد جنون و جنایاتی که در این مقطع از حیات رژیم جمهوری اسلامی توسط خود همینها به اجرا گذاشته شد، گوشه دیگری از واقعیات بعد از شکست در جنگ هشت ساله جمهوری اسلامی می باشد، که این جنایتان در صدد بوده و هستند آن را

بپوشانند. دست همه سران و مقامات جمهوری اسلامی چه داخل هرم قدرت و چه خارج آن از خامنه ای، فرسنگجانی، رضایی، احمدی مقدم، دولت احمدی نژاد، تا خلیل آخوندهای کله گنده حکومتی، تا دار و دسته های اصلاح طلبان مغضوب حکومتی و سرانشان از خاتمی، بهزاد نبوی، حجاریان، گنجی، میردامادی، تاج زاده، و صدها و صدها مقام رژیم گرفته تا دار و دستهای جمع شده امروز حول و حوش موسوی و کروبی و... همه و همه از سازماندهندگان و مجریان نه فقط جنگ هشت ساله، بلکه مسئولان بلند پایه حکومت جمهوری اسلامی در سرکوب مبارزات مردم بر علیه جمهوری اسلامی بوده و دستانشان آغشته به خون است. نمی شود این

جنایات و آمرین و عاملان اعدام هزاران نفر از مردم مبارز و انقلابی را از جنایاتشان تبرئه کرد. نمی شود جنایات و ابعاد سرکوبهای اینها در کردستان، ترکمن صحرا، در مراکز تولیدی کارخانجات، در دانشگاهها و مدارس و... را نادیده گرفت. کلیت جمهوری اسلامی با همه جناح بندیها و باندهای درون و خارج حکومت مسئول مستقیم بیش از سه دهه سرکوب، اعدام، سنگسار و اعمال یکی از وحشیانه ترین حکومت های دیکتاتوری تحمیل شده به بشریت متمدن بوده و به جرم ارتکاب جنایت بر علیه بشریت باید دستگیر و محاکمه بشوند.*

کارگران روغن نباتی قو دست به تحصن و اعتصاب زدند

از پنجم مهرماه، کارگران کارخانه روغن نباتی قو در اعتراض به خطر بیکار شدن، دست به اعتصاب زده و در محل شرکت متحصن شده اند. کارگران اعلام کرده اند که تا رسیدن به خواستههایشان به تجمعات اعتراضی خود ادامه خواهند داد.

کارخانه روغن نباتی قو تهران مانند بسیاری دیگر از رشته های صنعتی دچار افت شدید تولید شده است و در خطر ورشکستگی قرار دارد. این واحد تولیدی در حال حاضر با ۲۰ تا ۳۰ درصد ظرفیت قبلی تولید کارخانه کار میکند. این شرکت تحت مالکیت بیناد شهید قرار دارد. مدیران

شرکت هنوز پاسخ روشنی راجع به این وضعیت نابسامان به کارگران نداده اند. بنا به اخباری که به کارگران رسیده است، دستمزد کارگران از محل فروش املاک شرکت تامین میشود و کارخانه بحال تعطیلی و رکود در آمده است. خطر بیکاری جدی کارگران را که اغلب سوابق بیمه ای بالای پانزده سال دارند تهدید میکند، در این کارخانه ۴۵۰ کارگر بکار اشتغال دارند که ۳۷۵ نفر از آنان رسمی و باقی قراردادی هستند. وضعیت کارگران روغن نباتی قو، منحصر به فرد نیست. میلیونها کارگری بیکار شده اند یا در معرض بیکاری هستند و یا چندرغاز حقوقشان

تجمع کردند. خواست این معلمان استخدام رسمی آنان است. این معلمان که بین ۴ تا ۷ سال سابقه کاری دارند میگویند: "در حالی که آموزش و پرورش به ما گفته که به شما نیاز نداریم، ولی نیروهای بازنشسته چند سال پیش خود را فراخوان به کار کرده و یا از برخی معلمان رسمی در دو شیفت استفاده می کنند." اعتراضات معلمان ادامه دارد. ۱۲۰ هزار معلم قراردادی مدتهاست که منتظر استخدام خود هستند. این معلمان بارها و بارها در مقابل مجلس اسلامی تجمع کرده و خواهان استخدام رسمی خود شده اند. اما تا کنون پاسخی به آنان داده نشده است. جمهوری اسلامی با استخدام معلمان قراردادی، فشار بر روی معلمان رسمی را نیز شده داده و اما با استخدام موقت، با حداقل دستمزد و در بی حقوقی مطلق به همان اندازه معلمان رسمی آنها را وادار به کار میکند.

چند خبر از اعتراضات کارگران

کارگران پورس سندج
کارگران پورس سندج بیش از ۶ ماه است حقوق های خود را دریافت نکرده اند؛ بنا بر گزارش رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران کارخانه ریسندگی پورس بیش از ۶ ماه است دستمزدی دریافت نکرده اند. به دنبال اخراج ۳۰ نفر از کارگران این شرکت در سال گذشته، کارفرمای این واحد تولیدی فشارهای خود را بر کارگران افزایش داده است. این کارخانه که سالهای قبل با ۷۰ نفر کارگر تولید میکرد، در حال حاضر تنها با ۳۵ نفر کارگر در حال تولید است و این مسئله باعث شده است از نظر شدت کار، فشار مضاعفی بر کارگران شاغل در این کارخانه وارد شود. بنا بر این گزارش کارفرمای شرکت پورس در مواجهه با هر نوع اعتراضی، حتی نسبت به پرداخت دستمزدهای معوقه کارگران، با

این تنها راه نجات کارگران و اکثریت عظیم مردم محرومی است که از همه چیز ساقط شده اند. کارگران روغن نباتی قو نباید خود را تنها احساس کنند. مبارزه هر بخشی از مردم به همه بخش های دیگر مربوط است. خواست کارگران روغن قو خواست میلیون ها نفر دیگر هم هست. با تمام قوا از آنها

ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
- ۲- آزادی زندانیان سیاسی
- ۳- لغو مجازات اعدام
- ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
- ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
- ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
- ۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
- ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
- ۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایدای آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
- ۱۰- تامین و تضمین يك زندگي مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به يك میلیون تومان

این فرمان جنبش آزادیخواهانه مردم است. اینها خواستههای حداقل و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند.

مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد. حزب کمونیست کارگری ایران

۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

جنگ امروز جناحها بر سر ...

محمد شکوهی



جنگ هشت ساله شان اقدام به روایت "ناگفته های خود" از دوران جنگ هشت ساله کرده اند. هر مقام و دارو دسته حکومتی از ولی فقیه گرفته تا فرماندهان سابق نظامی، تا سران جناح ها و احزاب حکومتی تا طیف های گوناگون خارج حکومت، به ارزیابی خود از "هشت سال دفاع مقدس شان" پرداخته و هر باند و عنصر رژیم روایت خود را از جنگ و پروژه پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل مبنی بر پایان دادن به جنگ، را تبدیل به تریبون حمله تبلیغاتی بر علیه آن دیگری کرده اند. تا آنجایی که به مناسبت های سیاه و آغشته به سراسر جنون، جنایت و آدمکشی جمهوری اسلامی برمی گردد، این هم "عادی" است که اندر باب جنایات جنگی شان و اختلافاتشان به "ارزیابی" از این "نعمت الهی شان" بپردازند. چرا که امام شومشان، خمینی جنگ را "نعمت الهی" نامید، به بهانه جنگ وسیع ترین کشتارها، سرکوب ها و فشارهای اقتصادی را بر کرده مردم تحمیل نمود. اما موضوع جنگ و جنایات جنگی جمهوری اسلامی در طول هشت سال و کشته شدن بیش از ۳ میلیون نفر و آوارگی دهها میلیون نفر و ده ها میلیارد دلار خسارت به زیر ساختها و بنیادهای اقتصادی جامعه ایران، بیش از آنکه "گرامیداشت این نعمت الهی شان" باشد، این روزها تبدیل به صحنه جنگ و دعواها و افشاگریهای باندهای حکومتی و سران و جنایتکاران جنگی حکومت برای زدن پنبه همدیگر و متهم کردن آن دیگری به "سستی" و سازشکار بودن و تحمیل "جام زهر" به خمینی گذشته است. هرکدام از دسته های رنگارنگ حکومت در صدد مصادره جنایات جنگ هشت ساله به نفع جناح خود برآمده و با شدیدترین حملات باند و جناح رقیب را زیر ضرب گرفته اند. بدین ترتیب موضوع "بازبینی" جنگ هشت ساله جمهوری اسلامی "درس و عواقب و تبعات" آن تبدیل به یک موضوع روز دعوای حکومتی گشته است. جدید ترین اظهارات

دست اندرکاران رژیم در این باره حالب است:

محسن رضایی که در طول هشت سال جنگ فرمانده سپاه پاسداران بود، می گوید: ما در جنگ مشکل داشتیم ولی پیروز شدیم. در تیرماه که قطعنامه را پذیرفتیم. و این خود حادثه تلخی بود. وضعیت ما خوب نبود، اما بعد از تیرماه که امام فرمودند جام زهر را نوشیدم تحول بزرگی صورت گرفت! حدود دو ماه بعد از مساله جام زهر، امام فرمودند که حتی یک لحظه نادم و پشیمان نیستم، آنهایی که صحبت از تحمیل جام زهر می کنند خدای ناکرده می خواهند بگویند سر امام را کلاه گذاشتند، چرا عده ای می خواهند امام را تضعیف کنند؟ امام که تحت فشار قرار نمی گرفت. اما اظهارات موسوی در باره "دفاع مقدس شان" جالب است. همه اینها به بهانه "ارزیابی" از جنگ هشت ساله اقدام به افشاگری و یا آنطوریکه که خودشان "ناگفته های" جنگی می نامند، شروع به دادن روایت دیگری بر خلاف روایت جاری خامنه ای و احمدی نژادی کرده اند. اینها معتقدند هستند که در آن دوره گویا "اشتباهاتی" در مدیریت جنگ، نحوه سازماندهی نیروهای بسیج و سپاه و تعیین استراتژی پیروزی در جنگ، دور زدن دولت موسوی و اختصاص هزینه به جنگ و.. صورت گرفته که جنگ را طولانی تر کرد. در این بین موسوی که خودش در طول هشت سال جنگ در پست نخست وزیری بود و در دوسال آخر جنگ ریاست ستاد فرماندهی کل قوای جمهوری اسلامی را داشته است، ناگفته هایش در باره جنگ را با "امت شهید پرورش" در میان گذاشته است، تا به گفته خودش نسل جوان بداند که "ما مرد جبیه و جنگ بودیم" و افتخارات جنگ هشت ساله باید به اسم اینها نوشته شود. موسوی می گوید: "بنده در آن زمان به این شرط مسئولیت ریاست ستاد فرماندهی کل قوا را قبول کردم که با خود تعدادی از مدیران برجسته و مدیران

همکارا در ستاد شرکت بدهم. یکی از برجسته ترین و تاثیرگذارترین آنها آقای بهزاد نبوی بود که می دانیم این روزها چه گرفتاری هایی دارد. تصمیمی که ستاد آن روزها در کنار فرماندهان نظامی و این مدیران برجسته گرفت تغییر اساسی در آرایش جبههها بود و قرار شد که در کمترین زمان ممکن به کمک همه امکانات کشور، نیروهای موجود در کردستان به خوزستان منتقل شوند و با فعالیت استاندار خوزستان که همین برادر عزیز و مبارزمان محسن میردامادی بود و سایر مدیران استانی اقداماتی برای مقابله با تهاجم حتمی دشمن صورت گیرد. پیش بینی ستاد درست بود و در فاصله بسیار کمی یکی از شدیدترین حملات از سوی صدام انجام شد و یکی از حماسی ترین نبردهای تاریخ دفاع مقدس که با شهادت بسیاری از فرزندان کشورمان قرین بود، اتفاق که بعد از آن دیگر نتوانست حمله ای را سامان دهد و حداکثر از مجاهدین خلق حمایت کرد که آن خیانت بزرگ با پشتیبانی نیروهای صدام علیه کشور انجام شد و مردم با مقاومت خود آنها را خرد کردند. اما محسن رفیق دوست که آن زمان وزیر سپاه پاسداران دولت موسوی بود می گوید: "رفسنجانی که در آن زمان قائم مقام فرمانده کل قوا بود، "توپ" را به زمین دولت انداخت... آقای هاشمی من را صدا کرد و گفت: برو در وزارتخانه ات بشین، من می خواهم توپ را به زمین دولت بیندازم. سپس حکم داد که میرحسین موسوی رئیس ستاد، آقای بهزاد نبوی معاونت لجستیک و آقای خاتمی معاونت تبلیغات جنگ شوند. موسوی در واکنش به رفیق دوست می گوید: "آن وزیر سابق که خود می داند چگونه به اینجانب تحمیل شد در عین آنکه بیش از همه در جریان سر ریزش همه جانبه امکانات دولت به جبهه ها بود حالا می گوید که اگر امکانات دولت در اختیار جبهه ها قرار می گرفت ما بغداد را فتح می کردیم. شما باید جمله ایشان را این گونه معنی کنید که اگر دولت در اختیار بنده و دوستان مان قرار می گرفت ما چه فتوحاتی داشتیم. بنده می گویم شما که نمی

دانم به تحریک چه کسانی در عرض یک هفته چندین مصاحبه علیه دولتی که در آن کار می کردید انجام دادید اگر دولت را در اختیار می گرفتید بر سر کشور همان می آوردید که در طول مدیریت خود بر سر بیت المال و اموال مستضعفان و یتیمان در بنیاد مستضعفان آوردید." و بالاخره فیروز آبادی رئیس ستاد نیروهای مسلح رژیم در نماز جمعه هفته گذشته گفت: "بحث نوشیدن جام زهر به خاطر بسته شدن دانشگاه جنگ بود."

جنگی خونین علیه مردم انقلابی

بدین ترتیب جنگ هشت ساله و نحوه و چگونگی ارزیابی باندهای حکومتی از آن به موضوع جدی دعوای دار و دسته های دولتی و خارج حکومت تبدیل گشته است که علیه همدیگر افشاگری کرده و دست یکدیگر را رو نمایند. وجه مشترک همه این "ناگفته های جنگ" دفاع از کلیت فلسفه جنگ و جایگاه آن در قوام بخشیدن به حکومت جنایتکاران اسلامی می باشد. حاکمیت سیاست و خط ضد انسانی خمینی که "جنگ را نعمت الهی نامید" در کنار هشت سال کوبیدن به طبل "جنگ حنگ تا پیروزی"، فتح قدس و کربلا و بغداد، یکی از خونین ترین دوره های حیات حکومت جانوران اسلامی می باشد. مهم است که نسل جوان امروزی جامعه واقعیات این دوران هشت ساله جنون جنگی اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی و سرمدمدارانش را به روایت تاریخ مبارزات مردم ایران بر علیه جمهوری اسلامی و از حمله جنگش را از زبان نسلی بشنود که خود شاهد و ناظر و در جنگ همیشگی با جمهوری اسلامی از بدو سرکار آمدنش بوده، بشنود، تا ابعاد جنون و جنایات جنگی جمهوری اسلامی روشنتر بشود. واقعیات

جنگ آن گونه نبوده و نیست که باندها و دار و دسته های حکومتی و خارج حکومت روایت می کنند. اینها دارند تاریخ و بهانه "ناگفته هایشان" کل این دوره سیاه حاکمیت جمهوری اسلامی و بخشا خودشان که در راس امور بوده اند را، از این همه جنایات تبرئه کرده، از عریده کشی های خمینی و ولی فقیه و کل حاکمیت در اعمال وحشیانه ترین سرکوب ها و جنایات به عنوان "دفاع مقدس شان" دفاع کرده و هر کدامشان به نوبه خود سعی کرده این "افتخارات" را به اسم خود بنویسند و شکستهایشان را به حساب دیگری بگذارند. جنگ برای این حکومت يك "نعمت الهی" بود که به بهانه آن بتواند پایه های حکومت سیاه دیکتاتوری اسلامی را بر جامعه حاکم گرداند.

دوره سیاه جنگ هشت ساله دورانی که در کنار سرکوب انقلاب مردم به بهانه جنگ خارجی، احزاب و سازمانهای سیاسی چپ، کارگری، رادیکال را ممنوع کرده اند، هزاران کارگر کمونیست و سوسیالیست، و انقلابی از محل کار و کارخانه اخراج؛ دستگیر و اعدام کردند، به بهانه "دفاع از میهن اسلامی" خمینی و دار و دسته اش دستگاه مذهب و ناسیونالیسم اسلامی را در بوق و کرنا کرده و اعلام "جهاد" کردند، با دادن وعده "بهشت" و اهدای "کلید بهشت" توسط سران و مقامات پخشا هنوز در راس امور همین حکومت، صدها هزار نفر از جوانان را با زور و تهدید و سرکوب برای گرم نگه داشتن تنور جنگ خمینی و جمهوری اسلامی بر علیه "کفر"، روانه کشتارگاهها کردند. تمام امکانات موجود جامعه را به جنگ اختصاص داده، خطوط تولید کارخانجات را تغییر داد؛

صفحه ۱۱

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!